فصل سوّم

دربیان صلۀ رحم

این فصل در حقیقت تکمیل کنندۀ فصل های گذشته است. لیکن خداوند متعال درکلام پاکش و رسول اکرمﷺ درارشادات مبارك خودشان درمورد صلۀ رحم بطور خاص تأکید فرموده اند و بر قطع روابط وعید های خاصیّ بیان فرموده اند. به این خاطر این مضمون به سبب اهمیّت آن در فصل جداگانه ای ذکر کرده شد.

ارشاد پاك رسول اکرمﷺ است: ثواب صدقه بَر خویشاوند ان دو برابر است.(کنز)

اُمّ المومنین حضرت مَیمُونَهرضی الله عنها کنیزی را آزاد کردند. رسول اکرمﷺ فرمودند: اگر او رابه دایی های خود می دادی بهتر بود.(کنز) لذا اگر نیاز مهم دینی دیگری نباشد از صدقه برعموم مردم،بر خویشاوندان صدقه کردن بهتر است.البته اگر ضرورت دینی در پیش باشد خرج کردن در راه خدا تا هفتصد برابر ثواب می رسد. در قرآن مجید و احادیث به کثرت ترغیب در مورد صلۀ رحم و وعید در مورد قطع صلۀ رحم آمده است. امّا به سبب پر حجم شدن رساله فقط سه آیۀ ترغیب وسه آیۀ وعید را ذکر کرده.و چند حدیث دربارۀ این مطلب ذکر می نمایم. زیرا اگر کمی طولانی شود پس برای ما مردم فرصت خواندن هم نمی رسد امّا تمام این مضامین آنقدر مهم هستند که باوجود مختصر کردن، بازهم این رساله دارد بزرگ می‌شود و بجای یك جلد شاید دو جلدشود.

(۱) اِنَّ اللّٰهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ وَاِیْتَآءِ ذِی الْقُرْبٰی وَیَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنْکَرِ وَالْبَغْیِ ج یَعِظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُوْنَ۔
(نحل۔ رکوع۱۳۔ آیه ۹۰)

بیشك خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان دستور می دهد و از بی حیائی و کارهای زشت و ظلم کردن برکسی بازمی دارد و شما را(به این امور)

نصیحت می کند تا که شما نصیحت قبول کنید.

توضیح: خداوند متعال درقرآن مجید خیلی جا حکم خیرخواهی و بخشش به خویشاوندان را داد ه است. در اینجا به چند آیه اشاره می‌شود. هر کس دلش بخواهد قرآنِ ترجمه شده‌ای رابرداشته و مطالعه کند.﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَّذِالْقُرْبٰى﴾(بقره- رکوع۱۰) ﴿قُلْ مَآاَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَ الْاَقْرَبِيْن﴾(بقره- رکوع ۲۶) ﴿تمام رکوع اوّل﴾(سوره نساء) ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَّبِذِى الْقُرْبٰى﴾(نساء- رکوع ٦) ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا﴾(انعام- رکوع ۱۹) ﴿وَاُولُوالْاَ رْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِىْ كِتَابِ اللّٰهِ﴾(انفال- رکوع ۱۰) ﴿لَاتَثْرِيْبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ﴾(یوسف- رکوع ۱۰) ﴿وَالَّذِيْنَ يَصِلُوْنَ مَآ اَمَرَ اللّٰهُ بِهٖ اَنْ يُّوْصَلَ﴾(رعد- رکوع۳) ﴿رَبَّنَا اغْفِرْلِىْ وَلِوَالِدَىَّ﴾(ابرهیم- رکوع٦) ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا﴾(بنی اسرائیل-رکوع۳) ﴿وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ﴾(بنی اسرائیل- رکوع۳) ﴿وَاٰتِ ذَاالْقُرْبٰى حَقَّهٗ﴾(بنی اسرائیل- رکوع۳) ﴿وَكَانَ تَقِيًّا وَّبَرًّام بِوَالِدَيْهِ﴾(مریم- رکوع۱) ﴿وَّبَرًّام بِوَالِدَتِىْ﴾(مریم- رکوع۲) ﴿اِذْ قَالَ لِاَبِيْهِ يٰاَبَتِ﴾(مریم- رکوع۳) ﴿وَكَانَ يَاْمُرُاَهْلَهٗ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ﴾(مریم- رکوع٤) ﴿وَاْمُرْ اَهْلَكَ بِالصَّلٰوةِ﴾(طٰه- رکوع۸) ﴿وَالَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ اَزْوٰجِنَا وَ ذُرِّيّٰتِنَا﴾ (فرقان- رکوع-٦) ﴿وَاَصْلِحْ لِىْ فِىْ ذُرِّيَّتِىْ﴾(احقاف- رکوع۲) ﴿رَبِّ اغْفِرْلِىْ وَلِوَالِدَىَّ﴾(نوح- رکوع۲).

این چند آیه بطور نمونه ذکر شده اند. برای اینکه از نوشتن همه و ترجمهٔ آنها ترس طولانی شدن بحث بود اینها علاوه از آن سه آیه‌ای است که در اینجا به تفصیل ذکر کرده می‌شود علاوه از اینها آیات دیگری هم است. چیزی را که خداوند متعال در کلام خود بارها ارشادفرموده است، از اهمیّت آن چه می پرسی؟حضرت کَعْبِ اَحْبار رضی الله عنه می فرمایند: قسم به آن ذات پاکی که دریا را برای حضرت موسیٰ علیه السلام و بنی اسرائیل دو نصف کرد. در تورات نوشته است که از خدا بترس و صلهٔ رحم کن من عُمر تو را اضافه می کنم و کارها را برای تو آسانتر می کنم و مشکلات تو را دور می کنم.

خداوند متعال در قرآن مجید چندین جا حکم صلهٔ رحم کرده اند، چنانکه ارشاد می فرماید ﴿وَاتَّقُوااللّٰهَ الَّذِىْ تَسَآءَ لُوْنَ بِهٖ وَالْاَرْحَامَ﴾(نساء- رکوع۱) یعنی "ازخداوند متعال بترسید، آن ذاتی که شما حاجات خود را از او طلب می کنید و درموردحقوق خویشاوندان بترسید" یعنی باآنها قطع تعلّق و رابطه نکنید. و در آیهٔ دوّم ارشاد است:

﴿وَاٰتِ ذَ ا لْقُرْبٰی حَقَّهٗ﴾ یعنی "حقّ خویشاوندان را که نیکی و صلهٔ رحم است اداء کنید". در آیهٔ سوّم ارشاد است ﴿اِنَّ اللّٰهَ یَاْ مُرُ بَالْعَدْلِ وَ ا لْاِحْسَانِ﴾ یعنی خداوند متعال به شما حکم به توحید و گواهی دادن به ﴿لا اِله الاّ ا للّٰه﴾ می فرماید و حکمِ احسان کردن با مردم و در گذر نمودن از آنها و عطاء کردن به خویشاوندان یعنی صلهٔ رحم کردن را می فرماید. بعد از حکم فرمودن به سه چیز از سه مورد منع فرمودند:از فحش، یعنی گناه و ازمنکر، یعنی کاری که در شریعت و سنّت بنیادی ندارد و از ظلم، یعنی تجاوز بر مردم. سپس فرمودند خداوند متعال شما را به این چیزها نصیحت می فرماید تا که شما نصیحت قبول کنید حضرت عثمان بن مظعون‌رضی الله عنه می فرمایند که من با رسول اکرمﷺ خیلی محبّت داشتم و به سبب همین حیا مسلمان شده بودم که رسول اکرمﷺ به من می فرمودند اسلام بیاور لیکن اسلام در دل من جانگرفته بود. یك بار نزد رسول اکرمﷺ نشسته بودم صحبت می کردم که رسول اکرمﷺ در حین گفتگو با من بطرف دیگری اینطور متوجّه شدند که گویا با کسی دیگر گفتگو می‌کنند. بعد از مدّت کوتاهی دوباره بطرف من متوجّه شدند و ارشاد فرمودند که جبرئیل آمده بود و این آیهٔ مبارکه ﴿اِنَّ اللّٰهَ یَاْمُرُبِالْعَدْلِ﴾ تا آخر نازل شد. من ازاین مضمون بسیار خوشحال شدم و اسلام در دل من مستحکم شد من از آنجا بلند شده و نزدابو طالب عموی آن حضرتﷺ (که مسلمان نبود) رفتم. به او گفتم من نزد برادر زادهٔ تو بودم همین الآن این آیهٔ نازل شد.او گفت که محمّدﷺ را پیروی کنید تا به کامیابی برسید قسم بخدا او در ادعای نبوّت خود راستگو باشد یا دروغگو، لیکن به شما تعلیم عادات خوب می دهد، و اخلاق کریمانه یاد می دهد.(تنبیهٔ الغافلین) این نصیحت آن شخصی است که خودش مسلمان نبود ولی این را اقرار می‌کند که ادعای نبوّت راست باشد یادروغ، امّا تعالیم اسلام بهترین تعالیم می باشد و اخلاق کریمانه یاد میدهد، لیکن افسوس که امروزه اخلاق ما مسلمانها بیشتر از همه، اُفت و تنزّل کرده است.

(۲) ﴿وَلاَ یَاْ تَلِ اُولُواالْفَضْلِ مِنْکُمْ وَالسَّعَةِ اَنْ یُّؤْتُوْا اُولِی الْقُرْبٰی وَالْمَسٰکِیْنَ وَالْمُهٰجِرِیْنَ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ وَلْیَعْفُوْا وَلْیَصْفَحُوْا اَلاَتُحِبُّوْنَ اَنْ یَّغْفِرَاللّٰهُ لَکُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ۝﴾(نور- رکوع۳- آیه۲۲)

توضیح: این آیهٔ شریفه و ترجمهٔ آن در فصل اوّل در شماره ۱۸ گذشته است

هدف من از تکرار آن تأکیدکردن براین است که ما بر اعمال گذشتگان خود فکر کنیم و براین ترغیب خداوند متعال هم غور کنیم. چقدر واقعهٔ مهم و دردناکی است که برهمسر رسول اکرمﷺ مادر تمام مؤمنان از طرف اولادشان تهمت بی بنیادی زده شود و منتشر کنندگان خبر از خویشاوندان نزدیکی باشند که مخارج آنها از کمك پدر امُ المؤمنینؓ باشد براین واقعه چقدر رنج و صدمه برای پدر اُمُ المؤمنینؓ یعنی ابوبکر صدیقؓ بوده، واضح است. با این همه رنج از طرف خداوند متعال ترغیب آمد که "درگذرکنید و ببخشید" و از طرف دیگر این عمل حضرت ابوبکر صدیقؓ که به آن مقداری که قبلاً خرج می کردند اضافه فرمودند چنانکه قبلاً گذشت. آیا ما هم با خویشاوندان خود می توانیم اینگونه رفتار کنیم؟ که کسی بر ما تهمت بزند و اهل خانهٔ ما را به چنین گناه بدی متهّم نماید، و بعد از آن ما این آیهٔ مبارکهٔ قرآن مجید را تلاوت کنیم.

آیا ما رابطهٔ خویشاوندی و نزدیکی را درنظر گرفته. هیچ گونه کمکی را برای او روا می داریم؟ اصلاً و ابداًدر تمام عمر نه فقط با او، بلکه با اولاد او هم دشمنی کرده، و حتّی با خویشاوندانی که با او ارتباط دارند هم قطع رابطه خواهیم کرد، در مجلسی که آنها شرکت کنند ممکن نیست ما درآن شرکت کنیم. چرا؟ فقط به این خاطر که آنها در جلسه یا دعوت کسی شرکت کرده اند که او به ما دشنام داده،آبروی ما را برده، به دختر و عروس ما تهمت زده است. اگرچه آن مردم از عمل د شنام دادن او خیلی ناراحت باشند. امّا به جرم شرکت آنها در جلسهٔ او، ما با آنها هم قطع رابطه می کنیم ارشاد خداوند جلّ جلا له است که خود ما هم از کمك به او دست نگه نداریم و عمل ما این است که اگر شخصی دیگر هم او را دعوت کند ما با آن شخص هم رابطهٔ خود را قطع می کنیم. لیکن کسانی که در دلهای آنها ایمان حقیقی وجود داشت و عظمت خداوند متعال در قلوبشان راسخ بود و ارشاد پاك خداوند برای آنها عظمت و ارزش داشت، آنها این کار را عملاً نشان دادند که اطاعت کردن به این می گویند. اطاعت کنند گان اینطور اطاعت می کنند.

خداوند متعال موافق شأن بلند مرتبه خود، بر آنها رحمت نازل فرماید و مطابق مرتبه آنها درجات آنها را بلند فرماید آخر آنها هم غیرت و مردانگی داشتند و در سینه های

آنها دل، و در دل آنها جذبه وغیرت ایمان بود. امّا در مقابل رضا و خشنودی خداوند متعال چه دل و جذبات و چه غیرت و حیاء همه فنا می شدند.

(۳) وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ اِحْسَانًا ؕ حَمَلَتْهُ اُمُّهٗ كُرْهًا وَّوَضَعَتْهُ كُرْهًا ؕ وَحَمْلُهٗ وَفِصَالُهٗ ثَلٰثُوْنَ شَهْرًا ؕ حَتّٰۤى اِذَا بَلَغَ اَشُدَّهٗ وَبَلَغَ اَرْبَعِيْنَ سَنَةً ۙ قَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِيْۤ اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِيْۤ اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضٰىهُ وَاَصْلِحْ لِيْ فِيْ ذُرِّيَّتِيْ ۚؕ اِنِّيْ تُبْتُ اِلَيْكَ وَاِنِّيْ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ۝ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوْا وَ نَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّاٰتِهِمْ فِيْۤ اَصْحٰبِ الْجَنَّةِ ؕ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِيْ كَانُوْا يُوْعَدُوْنَ ۝ (احقاف رکوع۲- آیه ۱۵-۱٦)

"و ما انسان را به احسان در حقّ پدر و مادر سفارش کردیم (بخصوص با ما درش بیشتر چونکه) مادر، با مشقّت بسیار او رادر شکم حمل کرد. و با مشقّت بسیاری وضع حمل نمود کمترین زمان حمل و شیردادنش سی ماه می‌شود (چه مشقّتهای طولانی است)تا وقتیکه طفل جوان می‌شود و به سن کمال چهل سالگی می رسد پس می گوید ای پروردگار مرا همیشه توفیق بده تا شکر آن نعمت هایی را که برمن و پدر و مادرم انعام فرموده ای،اداء کنم و (این توفیق را بده) که چنین اعمال صالحی انجام دهم که سبب خشنودی تو باشند و دراولادم برای نفع من استعداد پیداکن من (از تمام گناهانم) توبه می کنم و من از اطاعت کنندگان هستم (بعدازاین خداوند درباره اینها می فرماید) اینها کسانی هستند که اعمال نیکشان را می پذیرم و از گناهانشان در گذر می کنم (به اینطور که اینها) از اهل بهشت خواهند شد، این بنا بر همان وعده- ای است که در دنیا داده می شدند (که بدله وعوض اعمال نیك بهشت است).

توضیح: خداوند متعال دربارهٔ خویشاوندان و والدین بارها تأکید فرموده اند هما نطور یکه در آیهٔ مبارکهٔ قبل گذشت. در این آیهٔ مبارکه بطور خصوصی دربارهٔ احسان به پدر و مادر تأکید فرموده اند که ما، حکم نیکی با پدر و مادر را داده ایم. این مضمون با همین عنوان که ما، حکم احسان به پد ر و ما در را داده ایم در سه جای قرآن مجید آمده است. اوّل در سورهٔ عنکبوت رکوع ۱ دوّم سورهٔ لقمان

رکوع۲و سوّم در همین آیهٔ مذکور که از آن تأکیدبسیارزیادی معلوم می‌شود.
صاحب تفسیر خازن نوشته اند، که این آیهٔ مبارکه در شأن حضرت ابوبکرصدیق‌رضی‌الله‌عنه نازل شد دوستی ایشان با رسول اکرمﷺ در سفر شام شروع شده بود وقتی که عُمر ایشان هجده سال و عُمر رسول اکرمﷺ بیست سال بود در این سفر هر دوی ایشان زیر درخت کُناری توقف نمودند. حضرت ابو بکر صدیق‌رضی‌الله‌عنه برای ملاقات راهبی که در آنجا بود تشریف بردند. رسول اکرمﷺ زیر سایه درخت تشریف داشتند آن راهب از حضرت ابوبکر صدیق‌رضی‌الله‌عنه پر سید: آن شخص که در زیر سایه درخت است کیست؟ ایشان فرمودند محمّدبن عبدا لله بن عبدالمطلب راهب گفت: قسم بخدا او نبی است بعد از حضرت عیسٰی‌علیه‌السلام هیچ کس زیر این درخت ننشسته است. ایشان نبی آخر زمان هستند.

وقتی که عمرشریف نبی اکرمﷺ به چهل سال رسیدبه پیامبری مبعوث شدند و حضرت ا بو بکر صدیق‌رضی‌الله‌عنه ایمان آوردند بعد از دو سال وقتی که به چهل سالگی رسیدند این دعا را کردند ﴿رَبِّ أَوْزِعْنِیْ﴾ پروردگارا مرا توفیق بده که شکر این نعمتی را که تو بر من و بر والدینم فرمو ده ای اداکنم.

حضرت علی کَرَم الله وَجه می فرمایند: بغیرازحضرت ابوبکرؓ این فضیلت برای هیچ کس از مهاجرین حاصل نشد که پدر و مادراو هر دو مسلمان بشوند و دعای دوّم را درباره صالح شدن اولاد نمودند که نتیجه اش اینست که تمام اولاد ایشان هم مسلمان شدند.(خازن)

اوّلین آیه از این آیات، آیهٔ سورهٔ عنکبوت است،که از این هم شدید تر است.زیرادرآن حکم نیکی بر پدر و مادر کافرشده است و وقتی که از طرف خداوند بر والدین کافر حکم نیکی و خوش رفتاری شده پس نیکی و احسان بر پدر و مادر مسلمان به طریق اَوْلٰی ضروری تراست.

حضرت سَعد بن اَبی وَقّاص می فرمایند: وقتی که من مسلمان شدم مادرم عهد کرد،که نه غذا می خورم نه آب مینوشم تا وقتی که تو ازدین محمّدﷺ برنگردی. و خوردن و نوشیدن را ترک کرد حتّٰی که به زور در دهانش غذا می ریختیم بنا بر این آیهٔ مبارکه نازل شد.(دُرّمنثور) جای پند و عبرت است،که در این حالتِ سخت هم ارشاد

پاك خداوند متعال است:"مابه انسان حکم نیکی و احسان با پدر و مادر را داده ایم. البته اگر آنها برای مشرك نمودن کوشش بکنند، پس اطاعت آنان جائز نیست."

از حضرت حسنؒ کسی پر بسید: که حدّ نیکی با پدر و مادر چقدر است؟ فرمودند: هر آنچه در تصرّف تو هست برای آنها خرج کن و هر حکمی بکنند اطاعت کن به غیر از اینکه حکم انجام دادن گناهی را بکنند. برای اینکه در آن اطاعت لازم نیست همین است تعلیم اسلام،و این بود عمل مسلمانان که اگر پدر و مادر مشرك کوشش مشرك نمودن اولاد را می کرد بازهم باآنها نیکی و احسان می کردند.

البته در شرك کردن، اطاعت و فرمانبرداری نیست برای اینکه این حقّ خالق است. حقّ والدین هر قدر که باشد امّا در مقابل حقّ خالق هیچ حقّی ندارند. ﴿لا طَاعَةَ للمَخلُوقِ فِیْ مَعْصِیَةِالخَالِقِ﴾ "در نافرمانی خالق هیچ اطاعتی از مخلوق جائز نیست". لیکن با وجود این اگر پدر و مادر به فرزند خود حکم گناه بدهند و برای مشرك نمودن او کوشش بکنند باز هم، حکم نیکی واحسان کردن بر آنها داده شده است.

در روایتی دیگر دربارهٔ آیهٔ سورهٔ لقمان آمده است که در واقعهٔ حضرت سعدؓ نازل شد. درآن روایت آمده که حضرت سعدؓ می فرمایند؛ من با مادر خود خیلی نیکی و احسان می کردم وقتی مسلمان شدم مادرم گفت این چکاری بود که کردی. یا این دین را ترك کن، یا من خوردن را ترك می کنم تا اینکه بمیرم و همیشه بر تو این ننگ بماندکه مردم به تو قاتل مادر بگویند. من گفتم؛ چنین مکن من نمی توانم دین خود را ترك کنم. او یك روز کامل نه چیزی خورد و نه چیزی نوشید. روز دوّم هم دراین حال گذشت. من گفتم:اگر صدجان داشته باشی و همهٔ آنها یکی بعد از دیگری ازبین بروند بازهم من نمی توانم دین خود را ترك کنم وقتی مادرم این عقیدهٔ محکم مرا دید شروع بخوردن و نو شیدن کرد.(دُرّمنثور) دراین آیهٔ مبارکه حکم حُسن سلوك با پدر و مادرداده شده است.

فقیه ابو الیث می فرمایند: اگر خداوند متعال حکم بجا آوردن حقّ و الدین را هم نمی فرمودند، باز هم از عقل این فهمیده می شد که حقّ آنها خیلی ضروری و مهم است. چه جائیکه خداوند متعال در تمام کتابهای خود تورات، انجیل، زبور و

قرآن مجید حکم ادا ی حقّ آنها را فرموده اند و به طرف تمام انبیاء کرامؑ دربارهٔ حقّ والدین وحی فرستاده، و تأکید فرموده، و خوشنودی خود را با خوشنودی والدین وابسته کرده و نارضایتی خود را در نارضایتی آنها قرار داده است.(تنبیه الغافلین)

این سه آیه دربارهٔ خوش رفتاری بودند وفقط سه آیه دربارهٔ بدرفتاری هم ذکر می کنم.

(۱) وَمَا يُضِلُّ بِهٖٓ اِلَّا الْفٰسِقِيْنَ ۝ الَّذِيْنَ يَنْقُضُوْنَ عَهْدَ اللّٰهِ مِنْۢ بَعْدِ مِيْثَاقِهٖ وَ يَقْطَعُوْنَ مَآ اَمَرَاللّٰهُ بِهٖٓ اَنْ يُّوْصَلَ وَ يُفْسِدُوْنَ فِى الْاَرْضِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ۝ (بقره رکوع۳ آیه ۲٦ تا ۲۷)

خداوند متعال از این مثال (که در آیه قبلی گذشت) گمراه نمی‌کند مگر آن فاسقانی راکه، بعد از بر قراری میثاق عهد شکنی می‌کنند آن معاهده ای را که با خدا وند متعال کرده بودند و آن تعلقاتی (روابطی) را که خدا وند متعال به پیوندآنها دستورداده قطع می‌کنند. و روی زمین فساد برپا می‌کنند. همین اشخاص کاملاً در خساره اند.

توضیح: هما نطور یکه خداوند متعال در قرآن مجید چندین جا برای صلهٔ رحم به خصوص رعایت حقوق والدین حکم و ترغیب فرموده اند. چنانکه در بالا گذشت. همینطور در جاهای زیادی در کلام پاك خود بر قطع صلهٔ رحم به خصوص بد رفتاری باوالدین تنبیه فرموده اند. مانند قبل چند آیه می نو یسم. ای دوستان! فکر کنید که در قرآن مجید بارها براین تأکید شده فکر کرده و عبرت حاصل کنید. در کلام پاك خداوند ارشاد است:

﴿وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِىْ تَسَآءَلُوْنَ بِهٖ وَالْاَرْحَامَ﴾ (نساء- رکوع۱)

﴿وَلَا تَقْتُلُوْٓا اَوْلَادَكُمْ مِّنْ اِمْلَاقٍ﴾ (انعام- رکوع۱۹)

﴿وَلَا تَقْتُلُوْٓا اَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ اِمْلَاقٍ﴾ (بنی اسرائیل- رکوع٤)

﴿وَالَّذِىْ قَالَ لِوَالِدَيْهِ﴾ (احقاف- رکوع۲)

﴿اَنْ تُفْسِدُوْا فِى الْاَرْضِ وَتُقَطِّعُوْٓا اَرْحَامَكُمْ﴾ (محمد- رکوع۳)

به حضرت امام محمّد باقرؒ پدرشان به طور خاص و با اهتمام چند وصیّت فرمودند، چنانکه در فصل اوّل در بحث احادیث در شماره۲۳ گذشت چیز بسیار

تجربه شده ای است. ارشاد می فرمایند که پدر من (حضرت امام زین العابدینؒ) مرا وصیّت فرمودند: نزدیك پنج گروه از انسانها مرو و با آنها حرف نزن حتّی بطور اتفاقی هم هر گز با آنها همراه مشو ۱ـ شخص فاسق که او تو را عوض یك لقمه یاکمتر ازیك لقمه خواهد فروخت. من پرسیدم مطلب از اینکه مرا به کمتر ازیك لقمه میفروشد چیست؟ فرمودند که فقط به امید یك لقمه ترا می فروشد و آن لقمه را هم بدست نمی آورد ۲ـ بخیل که او در وقت احتیاج شدید، از تو کناره گیری می کند ۳ـ دروغگو که او مانند سراب، تو را در فریب می اندازد. چیزی که دور باشد آنرا نزدیك نشان می دهد و آنچه نزدیك باشد آنرا دورنشان می دهد. ٤ـ به نزد نادان مروکه او ارادهٔ نفع رساندن به تو را می‌کند ولی بخاطر حماقت و نادانی خود نقصان می رساند مَثَلْ مشهوری است که دشمن دانا از دوست نادان بهتر است. ۵ـ پیش قطع کنندهٔ صلهٔ رحم نرو که من در سه جای از قرآن مجید لعنت خداوند متعال را بر او دیده ام. (روض)

(۲) وَالَّذِیْنَ یَنْقُضُوْنَ عَهْدَاللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مِیْثَاقِهٖ وَیَقْطَعُوْنَ مَآ اَمَرَاللّٰهُ بِهٖٓ اَنْ یُّوْصَلَ وَیُفْسِدُوْنَ فِی الْاَرْضِ ـ اُولٰٓئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوْٓءُ الدَّارِ (سورهٔ رعد۔ رکوع۳۔ آیه۲۵)

و آنانکه عهد و پیمان خداوندی را بعد از بر قراری میثاق می شکنند و رشته ای که خداوند به پیوند آن دستور داده قطع می‌کنند و در زمین فساد برپا می‌کنند بر آنها لعنت است و درجهان آخرت خرابی است.

توضیح: از حضرت قتادهؒ نقل شده است که هرگزعهد شکنی مکن زیرا این عمل را خداوند متعال خیلی نا پسند کرده است و در بیش از ۲۰ آیه برای بد عهدی وعید بیان فرموده اند که بطور نصیحت و خیر خواهی، و ثابت کردن حجّت نازل شده اند. به نظر من آن وعید هایی که خداوند متعال بر عهد شکنی بیان فرموده اند درباره هیچ گناه دیگری بیان نفرموده اند. لذا کسی که به خاطر خداوند متعال عهد می کند آن را حتماً برآورده کند.

حضرت انسؓ می فرمایند: رسول اکرمﷺ در خطبه ای فرمودند هر شخصی که امانت را اداء نکند ایمان ندارد و هر شخصی که بر عهد وفا نکند دین ندارد از حضرت ابو اُمامهؓ و حضرت عبادهؓ هم این مضمون نقل شده است (دُرِّمنثور)

حضرت میمون بن مهرانؒ می فرمایند: سه چیزچنان هستند که در آنها درمیان کافر و مسلمان فرقی نیست، حکم همه برابر است. اوّل: با هر کسی که عهد کرده شود وفا شود، اگرچه طرف عهد کافر باشد یا مسلمان برای اینکه در حقیقت عهد با خداوند متعال است. دوّم: با کسی که رابطه خویشاوندی است، با او صلۀ رحم کردن اگرچه آن خویشاوند مسلمان باشد یا کافر، سوّم: هر شخصی که امانت بگذارد برگرداندن امانت او لازم است اگرچه صاحب امانت مسلمان باشد یا کافر.(تنبیه الغافلین)

درآیات بسیاری از قرآن مجید و دریك جا بطور خاص حکم وفا کردن به عهد آمده است ﴿وَأَوْفُوْا بِالْعَهْدِ اِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُوْلًا﴾(بنی اسرائیل. رکوع ٤) "عهد را وفا کنید بدون شك دربارۀ عهد سئوال کرده می‌شود"

حضرت قتاده ؒ می فرمایند مراد از روابطی که حکم پیوند آنها را فرمودند،خویشاوندان نزدیك و دور هستند.(دُرّمنثور) مطلب دوّم را دربارۀ قطع کردن روابط خویشاوندی ارشاد فرموده اند. حضرت عمر بن عبدالعزیزؒ می فرمایند: هر شخص که قطع کننده روابط خویشاوندی باشد با او نشست و برخاست مکن من در قرآن مجید در دو جا بر آنها لعنت دیده ام. اوّل در این آیه مبارکه و دوّم در سورۀ محمّد.(دُرّمنثور)

شمارۀ رکوع آیۀ مبارکۀ سورۀ محمّد اکنون گذشت در آن بعد ازذکرآنهاییکه قطع رحم می‌کنند ارشاد فرمودند "همین ها هستند که بر آنها لعنت خداوند است. سپس خداوند متعال آنها را (ازشنیدن احکام خود)کَر،و(ازدیدن راه حق)کور کرد".
حضرت عمر بن عبدالعزیزؒ فرمودند که دو جا در قرآن مجید لفظ لعنت برقطع رحم کننده آمده است و حضرت زین العابدینؒ فرمودند که در سه جا آمده چنانکه قبلاً گذشت سبب این شاید این باشد که در دوجا سورۀ رعد و سورۀ محمّدﷺ لفظ لعنت آمده و در جای سوّم آنها را گمراه و زیانکار فرموده،که نزدیك به لعنت است.همانطوری که در آیۀ شمارۀ قبل در سورۀ بقره به همین نزدیکی گذشت.

حضرت سلمانؓ ارشاد رسول اکرمﷺ را نقل می‌کنند: وقتی قول ظاهر شود و عمل پوشیده گردد، یعنی بیان و وعظ زیاد شود و مضامین بسیاری نو شته شوند لیکن از عمل خبری نباشد گویا درب عمل قفل شده است و اتحاد بایکدیگر بصورت زبانی

باشد لیکن در قلوب اختلاف باشد و خویشاوندان بایکدیگر روابط را قطع کنند پس در این وقت خداوند متعال آنها را از رحمت خود دور نموده و کور و کَر می گرداند.

از حضرت حسن رضی الله عنه ارشاد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نقل شده است: وقتی مردم علم را ظاهر کنند و عمل را ضایع و از زبان محبّت را اظهار نمایند و در دلها کینه بگذارند و قطع رحم کنند پس خداوند متعال در آن وقت آنها را از رحمت خود دور نموده و کور وکَر می گرداند (دُرّ منثور). که بعد از آن نه راه راست را می بینند و نه حرف حقّ در گوش آنها فرو می رود. درحدیثی آمده است که خوشبویی جنّت اینقدر منتشر می‌شود که مسیر آن در مدت پانصد سال طی می‌شود نافرمان پدر ومادر و قطع کننده رحم خوشبویی جنّت را هم احساس نمی کند. (احیاء)

حضرت عبدالله بن ابی اوفیٰ رضی الله عنه می فرمایند: ما شام روز عَرَفه در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بطور حلقه در چهارطرف آن حضرت نشسته بودیم ایشان فرمود ند اگر شخصی که قطع رحم کرده است دراین جمع موجوداست بلند شود، نزد ما ننشیند از تمام جمع فقط یك شخص که دور نشسته بود بلند شده و رفت بعد از مدّت کمی دوباره آمد و نشست. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ازاو پرسیدند: به گفته من از این جمع فقط تو بلند شده رفتی و بعد از مدّتی دوباره آمده و نشستی موضوع چه بود؟ او عرض کرد که ارشاد شما را شنیده نزد خاله خود رفتم او با من قطع رابطه کرده بود با رفتن من گفت که تو بر خلاف عادت چطور آمدی؟ من برای او ارشاد مبارك شما را نقل کردم، او برای من دعای مغفرت کرد و من برای او دعای مغفرت کردم (درمیان یکدیگر صلح کردیم) و بر گشتم، و در خدمت شما حاضر شدم. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند شما کار خیلی خوبی کردید بنشینید رحمت خداوند برآن قومی که در آنها قطع رحم کننده باشد نازل نمی‌شود.

فقیه اَبُو اللّیثؒ این را نقل کرده اند لیکن نویسندهٔ "کنز" درباره یك راوی آن اِبَنِ مَعِین". نسبت کذب نقل کرده است. (کنز) فقیه ابو الیثؒ می فرمایند: از این قصّه معلوم شد که قطع صلهٔ رحم چنان گناه سختی است که به سبب آن کسانی که نزد او نشسته اند نیز از رحمت خداوند محروم می شوند. بهمین خاطر ضروری است هر شخصی که به این مبتلا است توبه کرده و صلهٔ رحم نماید. ارشاد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم

است هیچ نیکی که در دنیا ثواب آن بسیار زودتر برسد، از صلهٔ رحم بالا ترنیست وهیچ گناهی که در دنیا عذاب آن علاوه از عذاب آخرت برسد از قطع صلهٔ رحم و ظلم بالا تر نیست.(تنبیه الغافلین)

در روایات بسیاری این مطلب وارد شده است که عذاب قطع رحم علاوه از آخرت در دنیا هم می رسد و قطع رحم کننده گان در آخرت در بدترین جا خوا هند بود که درآیهٔ مبارکه ذکر شده است. فقیه اَبُو اللّیثؒ یك قصّه عجیب نوشته اند می‌فرمایند که در مکّه مکرّمه یك شخصِ نیك و امانتداری از اهل خراسان بود. مردم امانات خود را نزد او می گذاشتند. شخصی نزد او ده هزار دینار امانت گذاشته برای ضرورتی به سفر رفت وقتی از سفر برگشت.آن خراسانی وفات کرده بود از اهل و عیال او در بارهٔ امانت خود پرسید آنها گفتند نمی دانیم.او بسیار در فکر فرو رفت مبلغ خیلی زیادی بود.از علماء مکّه که اتفاقاً جمعی از آنها در آن وقت موجود بودند مسئله را پرسید که چکارکنم؟ آنها گفتند: او مرد بسیار نیکی بود به گمان ما جنّتی است. تو ترتیبی اختیار کن، وقتی که یك سوّم یا نصف شب بگذرد، کنار چاه زمزم رفته نام او را گرفته صدا بزن و از او بپرس او تا سه روز همین کار را کرد. لیکن از آنجا جوابی نیا مد دوباره نزد همان علماء رفته واقعه را بیان کرد آنها اِناً لِلّه... خوانده و گفتند که ما می ترسیم شاید او جنّتی نبا شد تو فلان جا برو یك وادی است که نام آن بَرْهُوت است در آن یك چاه است در آن چاه صدا بزن او همین طور کرد از آنجا با اوّلین صدا جواب رسید که مال تو همانگونه محفوظ گذاشته است من بر اولاد خود اطمینان نداشتم، برای این در فلان جای منزل آنرا د فن نمودم به پسر من بگو که تورا تا آنجا برساند. آنجا زمین را کنده آن را بیرون بیاور.او همینطور کرد و آن مال به دستش رسید. آن شخص با تعجّب زیاد این را هم از او پرسید که تو مرد بسیار نیکی بودی چرااین جا آورده شدی؟ از چاه آواز آمد که درخراسان چند خویشاوند داشتم که با آنها قطع رابطه کرده بودم.درهمین حال موت من آمد.و در عذاب آن من اینجا گرفتار شده ام.(تنبیه الغافلین)

از حضرت علیؓ نقل شده است.از تمام سر زمینها بهترین وادی مکّه مکرّمه و وادی هندوستان است که در آن حضرت آدم علیه السّلام از جنّت فرود آمدند.درآن

جا خوشبو ئیهای بسیاری است که مردم آنهارا استعمال می کنند و بد ترین وادی ها، وادی اَحقاف و وادی حَضَرَ مَوت است که آنرا بَرَهُوت می گویند و بهترین چاه دنیا زمزم و بد ترین چاه بَرَهُوت است که درآن روحهای کفّارجمع می شوند.(دُرِّمنثور) موجود بودن روحها در بعضی اوقات در این مواقع دلیل شرعی نیست بلکه وابسته به امور کشفی است که خداوند متعال در هر وقت برای هر کسی که بخواهد ظاهر می‌فرمایند لیکن کشف، دلیل شرعی نیست.

(۳) اِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ اَحَدُهُمَآ اَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَّهُمَآ اُفٍّ وَّلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيْمًا ٥ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيٰنِيْ صَغِيْرًا ٥ رَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَا فِيْ نُفُوْسِكُمْ ـ اِنْ تَكُوْنُوْا صٰلِحِيْنَ فَاِنَّهٗ كَانَ لِلْاَوَّابِيْنَ غَفُوْرًا٥(بنی اسرائیل- رکوع ۳- آیهٔ ۲۳)

اگرآنها (یعنی پدر و مادرت) (در هر دو یا یکی از آنها (زندگی تو) به سن پیری برسند (و عموماً بعضی گفته های افراد مسن و پیر برای جوانان گران تمام می‌شود بدین سبب اگر حرفی از آنها تو را گران آید) پس هرگز ایشان را اُف (اُه) هم، مگو وبا آنها باتندی حرف نزن. وبا ایشان با احترام صحبت کن و در جلوی آنها با نرمی و انکساری، فروتن باش و دعاکن ای پروردگار بر پدر و مادر من رحمت فرما همچنانکه آنان مرا درکوچکی تربیت وپرورش کردند (لذا نه تنها به ظاهر بلکه از دل احترام آنها را داشته باش) پروردگار ازآنچه در دلها ی شما است خوب باخبر است. اگر شما نیکوکار باشید(واز شما بی ادبی سر زده شد و توبه کردید) پس خداوند گناهان توبه کنندگان را بسیار عفوکننده است.

توضیح: از مجاهدؒ در تفسیر، این آیه نقل شده است که اگر آنها به پیری برسند و نیاز به این باشد که شما اِدرار و مدفوع آنها را بشویید پس هرگز اُف هم نگویید همانطور که آنها در کودکی اِدرار و مدفوع شما را می شستند. حضرت علیؓ می‌فرمایند اگر در بی ادبی از اُف گفتن درجه کمتری می بود پس خداوند متعال آنرا هم حرام قرار می دادند.

شخصی از حضرت حسنؓ پرسید آخرین حدّ نافرمانی چیست؟ ایشان فرمودند:

"ازمال خود آنها را محروم کند و ملاقات با آنها را ترك نماید و به طرف آنها با نگاه تند نگاه کند". از حضرت حسنؓ کسی پرسید مطلب از "قول کریم" در این آیه چیست؟ ایشان فرمودند: آنها را، مادر، پدر" خطاب کند و آنهارا به اسم صدا نزند.

از حضرت زبیر بن محمّدؒ در تفسیر این نقل شده است که وقتی آنها صدا بزنند با "حاضرم، حاضرم" جواب بدهد. از حضرت قتادهؒ نقل شده که با نرمی صحبت کند. از حضرت سعید بن المُسیّبؒ کسی پر سید که در قرآن مجید حکم خوش‌رفتاری در بسیاری جاها آمده است و من آنرا فهمیدم لیکن مطلب از"قول کریم"را نفهمیدم ایشان فرمودند باآنها همانطورصحبت کن که یك غلام بسیار خطا کار پیش ارباب تندخوی خود صحبت می کند.

حضرت عائشهرضی الله عنها می فرمایند در خدمت رسول اکرمﷺ شخصی حاضر شد و با او پیر مردی همراه بودآن حضرتﷺ از او پرسیدند این کیست؟ او عرض کردکه پدر من است رسول اکرمﷺ فرمودند: نه از او جلو تر راه برو، نه زود تر بنشین و نه با اسم او را صدا بزن و نه به او حرف بدی بگو. کسی از حضرت عُروَهؓ پرسید در قرآن مجید حکم خم شدن در جلوی آنها آمده است مطلب آن چیست؟ فرمودند: اگر آنها سخنی خلاف طبع تو بگویند پس به آنها با ترش رویی نگاه مکن ناراحتی انسان اوّل از چشم ظاهر می‌شود.

حضرت عائشهرضی الله عنها از رسول اکرمﷺ نقل می‌کنند کسی که بطرف پدربا تندی نگاه کند فرمانبردارنیست.

حضرت عبدالله بن مسعودؓ می فرمایند: من از رسول اکرمﷺ پرسیدم که نزد خداوندکدام عمل پسندیده تر است آن حضرتﷺ فرمودند: نماز را در وقت آن خواندن. من عرض کردم بعداز این کدام عمل است؟ فرمودند: با پدر و مادر، خوش‌رفتاری کردن باز من عرض کردم بعد از این؟ فرمودند: جهاد. در حدیثی وارد شده است خو شنودی خداوند در خو شنودی پدر است و نا رضایتی خداوند در نارضایتی پدر است.(دُرّمنثور)

نویسندهٔ مَظاهِر نوشته است: از حقوق پدرؒ و مادر است که اینطور تواضع و فروتنی بکند و اَدای خدمت آنها کند که آنها خو شنود شوند و در کارهای جایز

ازآنها اطاعت کند، بی ادبی نکند، با تکبّر پیش نیاید. اگرچه آنها کافر هم باشند. صدای خود را از صدای آنها بلند ترنکند با اسم آنها را صدا نزند درکاری از آنها پیشی نگیرد. در امر به معروف و نهی ازمنکر نرمی اختیار کند، یکبار بگوید اگر قبول نکردند پس خوش‌رفتاری کند و برای آنها دعا کند و استغفار نماید. این مطلب از قرآن مجید گرفته شده است یعنی از نصیحت کردن حضرت ابراهیم‌علیه‌السلام به پدر خود.(مظاهرحق) یعنی حضرت ابراهیم‌علیه‌السلام بعد از یك بار نصیحت کردن، گفتند که "حالا من پیش خداوند برای شما دعا می کنم" همانطوریکه در رکوع سوّم سورهٔ مریم آمده است حتی که بعضی از علماء نوشته اند اطاعت آنها در حرام ناجایز است لیکن در امور مشکوك واجب است. برای اینکه احتیاط از این امور تقویٰ است و رضا جویی آنها واجب است. پس اگر مال آنها مشکوك باشد و ازجدا خوردن تو نا راحت می شوند پس باید با آنها غذا بخوری.

حضرت ابن عباس‌رضی الله عنهما می‌فرمایند: هیچ مسلمانی نیست که والدین او زنده باشند و او با آنها خوش رفتاری بکند و برای او دو دروازه جنّت باز نشود. و اگر آنها را ناراض کند پس خداوند متعال راضی نمی‌شود تاآنها را راضی نکند. کسی عرض کرد اگرچه آنها ظلم بکنند؟ ابن عباس‌رضی الله عنهما فرمودند: اگر چه آنها ظلم کنند.

حضرت طلحه‌رضی الله عنه می فرمایندکه شخصی در خدمت رسول اکرم‌صلی الله علیه وسلم حاضر شد و درخواست شرکت در جهاد نمود. آنحضرت‌صلی الله علیه وسلم فرمودند: مادر تو زنده است؟ او عرض کرد که زنده است. رسول اکرم‌صلی الله علیه وسلم فرمودند: خدمت او را محکم بگیر. جنّت زیر پاهای آنها است. سپس رسول اکرم‌صلی الله علیه وسلم دو، سه بار همین راتکرار فرمودند.

حضرت انس‌رضی الله عنه می فرمایند که شخصی در خدمت رسول اکرم‌صلی الله علیه وسلم حاضر شد و عرض کرد، یا رسول الله‌صلی الله علیه وسلم دل من می خواهد در جهاد شرکت کنم لیکن توانایی آن را ندارم. آنحضرت‌صلی الله علیه وسلم فرمودند پدر یا مادر تو زنده است؟ او عرض کرد مادرم زنده است آنحضرت‌صلی الله علیه وسلم فرمودند دربارهٔ او از خداوند بترس (یعنی در ادای حقوق او از فتویٰ بالاتر بر تقوی عمل کن) وقتی شما اینطور می کنید پس تو حج کننده، عمره بجا آورنده و جهاد کننده می شوی. یعنی هر قدر ثواب که از این اعمال می‌رسد هما نقدر ثواب از خدمت به پدر ومادر به تو می‌رسد.

حضرت محمّد بن المُنکدرؒ می فرماید برادرم عُمَر شب را در نماز خواندن می‌گذراند و من مشغول ماساژ و مالیدن پاهای مادرم بودم.من هرگز این آرزو را نکردم که (ثواب) شب بیداری او عوض شب بیداری من، به من برسد. حضرت عائشه رضی الله عنها می فرمایند من از رسول اکرمﷺ پرسیدم:چه کسی بر زن از همه بیشتر حق دارد؟ آن حضرتﷺ فرمودند: شوهر، من دوباره پر سیدم: چه کسی بر مرد از همه بیشتر حقّ دارد؟ رسول اکرمﷺ فرمودند: مادر. درحدیثی ارشاد رسول اکرمﷺ است: اگر شما نسبت به زنهای دیگران پاکدامن باشید زنهای شما هم پاکدامن می مانند. اگر شما با پدر و مادر خود خوش رفتاری کنید، اولاد شما هم با شما خوش رفتاری می کنند.(دُرّ منثور)

حضرت طاووسؒ می گویند: شخصی چهار پسر داشت. او بیمار شد،یکی از آن پسرها به سه برادر دیگر گفت اگر شما پرستاری پدر را با این شرط انجام می دهید که از میراث او به شما هیچ چیز نرسد پس آماده شوید و گرنه من حاضر هستم که به این شرط پرستاری پدررابکنم که از میراث او هیچ چیز برندارم. آنها به این راضی شدندکه خودت به این شرط پرستاری کن. او خوب خدمت کرد لیکن پدر وفات کرد و موافق شرط او هیچ سهمی نگرفت. شب در خواب دیدکه شخصی می گوید فلان جا صد دینار دفن است آنها را بردار. او در خواب پر سید که آیا در آنها برکت هست؟ گفت خیر. صبح برای همسرش خواب را تعریف کرد همسرش خیلی اصرار کرد که آنها را بیرون بیاورد ولی قبول نکرد شب دوّم دوباره خواب دید که درجایی دیگر ده دینار است دوباره همان سئوال را درباره برکت کرد او گفت که در اینها هم برکت نیست. صبح خواب را برای همسرش تعریف کرد همسرش دوباره اصرار نمود ولی او قبول نکرد. شب سوّم باز در خواب دید که شخصی می گوید که فلان جا برو در آنجا یك دینار قرار دارد. آن را بردار او دو باره همان سئوال را دربارهٔ برکت کرد. آن شخص گفت، بله در این برکت است. صبح رفت و آن دینار رابرداشته به بازار رفت و دو ماهی خرید که از شکم هریکی از آنها یك گوهر نایاب بیرون آمد که مانندآنها هیچ کس در زندگی خود ندیده بود. پادشاه وقت، هر دوگوهر را با اصرار زیاد عوض طلائی که به اندازه نَوَد بار قاطر بود، خرید.

احادیث

(۱). عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رضی الله عنه قَالَ قَالَ رَجُل" یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَنْ اَحَقُّ بِحُسْنِ صَحَابَتِیْ قَالَ اُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ اُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ اُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ اَبُوْكَ و فی روایتٍ قَالَ اُمَّكَ ثُمَّ اُمَّكَ ثُمَّ اُمَّكَ ثُمَّ اَبَاكَ ثُمَّ اَدْنَاكَ فَاَدْنَاكَ۔(متفق علیه کذافی المشکوٰة)

کسی از رسول اکرم ﷺ پرسید که ازهمه بیشترچه کسی مستحق روابط خوب (احسان و خوش رفتاری)من است؟ رسول اکرم ﷺارشادفرمودند: مادرت دو و سه بار آنحضرت ﷺ لفظ مادرت راتکرار فرمودند و سپس فرمودند پدرت و بعد از آن دیگر خویشاوندان اَلْاَقْرَب فَالْاَقْرَب (هر کسی چقدر نزدیك باشد همانقدر مقدّم است).

توضیح: از این حدیث شریف بعضی علماء استنباط کرده اند، که در خوش رفتاری و نیکی، حق مادر سه قسمت و حق پدریك قسمت است. برای اینکه رسول اکرم ﷺ سه بار مادر را گفتند و بار چهارم پدر را فرمودند و سبب آن را علماء چنین می گویند که مادر برای اولاد سه مشقّت را بر داشت می‌کند. حمل (بار داری)، زایمان،و شیر دادن. به همین خاطر فقهاء این را صراحتاً بیان کرده اند که در احسان و خوش‌رفتاری حق مادر بر پدر مقدّم است.

اگر شخصی به سبب فقیری خود نمی تواند به هر دوی آنها کمك بکند پس کمك به مادر افضل است البته در اکرام و احترام و ادب حق پدر بر حق مادر مقدّم است. (مظاهرحق) و این هم ظاهر است که به سبب زن بودن، مادر بیشتر محتاج احسان است. و بعداز پدر و مادر در خویشاوندان هرکس که خویشاوندی او نزدیکتر باشد هما نقدر مقدّم است. در حدیثی است که خوش‌رفتاری را از مادر شروع کن بعد از آن با پدر بعد از آن با خواهر، بعد از آن با برادر، الاقْرَب فَالاقْرَب و همسایگان و حاجتمندان را فراموش نکنید.(کنز)

حضرت بَهزبنِ حکیمؒ از پدر بزرگ خود نقل می‌کند که ایشان در خدمت رسول اکرم ﷺ عرض کردند: یارسول الله ﷺ من با چه کسی خوش رفتاری و نیکی کنم؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: با مادر خود. ایشان دوباره پرسیدند آنحضرت ﷺ دوباره همین جواب را دادند. همینطور بار سوّم و چهارم رسول اکرم ﷺ فرمودند با پدر

خود بعد ازآن با دیگرخویشاوندان هر کسی هر قدر، نزدیك باشد. همان قدرمقدم است در حدیث دیگری است شخصی در خدمت رسول اکرمﷺ حاضر شد و عرض کرد مرا حکمی دهید تا بر آن عمل کنم. آنحضرتﷺ فرمودند: با مادر خود نیکی کن بعد از بار دوم و سوم آنحضرتﷺ فرمودند که با پدر خود نیکی کن. (دُرّمنثور)
در حدیثی است: سه چیز چنا نند که هر کسی به آنها عمل کند خداوند متعال مرگ را براو آسان می فرماید و او را در جنّت داخل می فرماید. مهربانی برضعیفان، شفقت بر والدین، احسان بر زیردستان. (مشکٰوة)

۲. عَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَحَبَّ اَنْ يُّبْسَطَ لَهٗ فِیْ رِزْقِهٖ وَيُنْسَأَ لَهٗ فِیْ اَثَرِهٖ فَلْيَصِلْ رَحِمَهٗ۔
متفق علیه۔ مشکٰوة

ارشاد رسول اکرمﷺ است: هر کسی که می خواهد رزق او زیاد شود و در آثار قدم او تأخیر کرده شود باید صلۂرحم کند.

توضیح: مراد"ازتأخیر در آثار قدم" طولانی تر شدن عمر است برای اینکه هراندازه عمرکسی زیادتر باشد همان اندازه از راه رفتن او اثر قدمش بر زمین بیشتر می ماند و هر وقت که از دنیا برود اثر پاهای اوهم از زمین پاك می‌شود.

در این بحث این اشکال وجود دارد که عمر هر شخص تعیین شده است. خداوند در قرآن مجیداین مضمون را چندین جا صراحتاً بیان فرموده اند که برای هر شخص یك وقت مقرر است غیر ممکن است که یك ساعت جلو برود یا تأخیر شود. به همین خاطر بعضی علماء درازی عمر را مانند زیاد شدن رزق به برکت محمول کرده اند یعنی در اوقات او اینقدر برکت می‌شود، کاری که دیگر مردم در چندین روز انجام می دهند او در چند ساعت انجام می دهد و کاری را که دیگران در چندین ماه انجام می دهند او در چند روز انجام می دهد.

بعضی علماء می فرمایند مراد از درازی عمر ذکر خیر او است که تا روزهای زیادی اثر اعمال خوب و ذکر خیر او جاری می ماند. بعضی علماء نوشته اند که اولاد او زیاد می‌شود و نسل او بعد از مُردن تا زمانی طولانی می ماند و ممکن است دلایل دیگری هم داشته باشد.

زمانی که قول رسول اکرمﷺ راست است،ارشاد ایشان برحق است، اطلاع این خبر راداده اند صورت آن هر چه باشد حاصل شدن آن یقینی است. و ذات پاك خداوند متعال، قادر مطلق و بوجود آورنده اسباب است. برای او پیدا کردن اسباب چه مشکلی دارد؟! او برای هر چیزی که بخواهد انجام دهد همان گونه اسباب پیدا می فرماید که عقلِ عقلمندان حیران می ماند. بنابراین در این نه اشکالی است نه هیچ مانعی.(مظاهر بتغییر)

مسئله مقدّرات در جای خود حتمی است لیکن خداوند متعال این دنیا را دارالاسباب قرار داده است و برای هر چیز سببی ظاهری یا باطنی پیدا فرموده است. اگر برای کسی که مبتلا به مریضی هیضه(اسهال و استفراغ شدید) است فوراً بطرف حکیم ، دکتر وغیره می دوند که شاید این دوا فایده و یا آن دوا فایده بدهد. چرا؟! تا که عمر باقی بماند، حال آنکه عمر مقرر و تعیین شده است. پس هیچ مانعی وجود ندارد که برای درازی عمر از این بیشتر کوشش در صله رحم کرده شود. برای اینکه سبب بودن صله رحم برای بقاء وطول عمر، یقینی است. وارشاد آن حکیمی است که در نسخه او هر گز اشتباه نمی‌شود و در نسخه و تشخیص این طبیبان و پزشکان معمولی احتمال صدها اشتباه و غلط می باشد. این ارشاد پاك رسول اکرمﷺ که دربالاگذشت در احادیث با عناوین متفاوت وارد شده است به همین خاطر در این هیچ شکی وجود ندارد. در حدیثی از حضرت علیؓ نقل شده است: هر کسی که ضامن یك چیزبشود من برای او ضامن چهار چیز می شوم. هر شخصی که صلهٔ رحم کند عمر او دراز می‌شود، خویشاوندان با او محبّت می کنند، روزی او فراخ می‌شود و داخل جنّت می‌شود.(کنز)

رسول اکرمﷺ به حضرت ابو بکر صدیقؓ فرمودند سه سخن کاملاً حق و (یقینی) هستند: (۱) بر هر شخصی که ظلم کرده شود و او چشم پوشی کند عزت او اضافه می‌شود (۲) هر شخصی که بخاطرافزایش مال سؤال می‌کند در مال او کمی(نقص) می آید (۳) هر شخصی که دروازه عطاء و صلهٔ رحم را بازکند مال او اضافه می‌شود.(دُرمنثور)

فقیه اَ بواللّیثؒ می فرمایند: در صله رحم ده چیز قابل مدح وستایش است. اوّل:

در ان رضا وخشنودی خداوند متعال است زیرا حکم خداوند است که صلهٔ رحم بشد دوم: خوشحال کردن خویشاوندان و ارشاد رسول اکرم ﷺ است که بهترین عمل خوشحال کردن مؤمن است. سوم: از این فرشته ها هم خوشحال می‌شوند چهارم: ازطرف مسلمانان مدح و ستایش او می‌شود پنجم: شیطان علیه الّعنه از این عملی رنجیده و غمگین می‌شود. ششم: به سبب آن عمر زیاد می‌شود. هفتم: در رزق برکت می آید. هشتم: مُرده ها از این خوشحال می شوند وقتی که به پدر و بزرگی که فوت کرده اند این خبر می رسدآنها هم خیلی خوشحال می شوند. نهم: روابط با یکدیگراز این مستحکم تر می‌شود وقتی شما به کسی کمك و احسان می‌کنید او هم در وقت ضرورت و نیاز شما، از ته دل می خواهد به شما کمك کند. دهم: بعد از مُردن هم به شما ثواب می رسد وقتی شما به کسی کمك می‌کنید بعد از مرگتان او همیشه شمارا یادکرده ودعای خیر می‌کند.

حضرت انس رضی الله عنه می فرمایند در قیامت زیر سایه عرش رحمان سه گروه می باشند (۱) صلهٔ رحم کننده که هم در دنیا عمر او زیاد می‌شود وهم در رزق او وسعت می‌آید و قبر او هم وسیع می گردد (۲) زنی که شوهر او وفات کرد و او بخاطر پرورش اولاد کوچك خود نکاح نمی‌کند تا آنها به سن جوانی برسند تا که در پرورش آنها مشکلی پیدا نشود.(۳) آن شخصی که غذا آماده کند و یتیمان و مساکین را بخوراند.

حضرت حسن رضی الله عنه از رسول اکرم ﷺ نقل می‌کنند: دو قدم نزد خداوند بسیار محبوب هستند، یکی آن قدمی که برای ادای نماز فرض بر داشته شود ودوّم آن قد می که برای ملاقات یکی ازمحارم برداشته شود. بعضی علماء نوشته اند که پنج چیز چنانندکه ار دوام واستقامت در آنها ازطرف خداوند متعال به اندازهٔ کوههای بزرگ نیکی می‌رسد. و به سبب آنها در روزی فراخی می آید.اوّل:در هر وقت صدقه دادن کم باشد یا زیاد. دوم: همیشه صلهٔ رحم کردن کم باشد یا زیاد. سوّم: جهادکردن در راه خدا. چهارم: همیشه با وضو بودن. وپنجم: همیشه از والدین فرمانبرداری کردن (تنبیه الغافلین)

درحدیثی آمده است: عملی که ازهمه زودتر ثواب و عوض آن می رسد صلهٔ رحم است. بعضی مردم گنهکار می باشند لیکن به سبب صلهٔ رحم در مالها و اولاد آنها برکت می باشد.(احیاء)

درحدیثی است که صدقه را موافق طریقه آن دادن و معروف (نیکی) را اختیار کردن وباوالدین احسان نمودن وصلۂ رحم کردن انسان را از بدبختی به طرف نیك بختی بر می‌گرداند و سبب زیاد شدن عمر می‌شود و از مرگ با ذلّت محافظت می کند.(کنز)

نمونه ای از روایات بسیاری که دربارۂ زیادتی عمر و رزق ذکر شده است بیان شده و برای همین دو چیز، هر شخص جان می دهد. تمام کوششهای دنیا به خاطر همین دوچیز هستند. رسول اکرمﷺ برای این دو، تدبیر بسیار آسانی نشان داده‌اندکه صلۂ رحم بکنید هر دو آرزوی شما حاصل می شوند اگر بر حق بود ن ارشاد رسول اکرمﷺ یقین داریم پس کسانی که خواهان زیادتی عمر و رزق هستند باید براین نسخه بیش از پیش عمل بکنند و هر قدر در توانشان باشدباید برخویشاوندان خرج کنند زیرا بنابر وعدۂ اضافه شدن در رزق، عوض آن هم می رسد و عمر هم مفت اضافه می‌شود.

(۳) عَنِ ابْنِ عُمَرَؓ قَالَ قَالَ رَسُو لُ اللّٰهِﷺ اِنَّ مِنْ اَبَرِّ الْبِرِّ صِلَةُ الرَّجُلِ اَهْلَ وُدِّهٖ اَبِيْهِ بَعْدَ اَنْ يُّوَلِّي۔

(رواه مُسلم کذافی المشکوٰة)

ارشاد رسول اکرمﷺ است که اَعلاء ترین درجه خوش‌رفتاری ونیکی با پدر این است که فرزندبعد از رفتن پدر باکسانی که با پدراو رابطه داشته‌اند خوش‌رفتاری کند.

تو ضیح: مراد از "رفتن" ممکن است رفتن موقّتی باشد یارفتن همیشگی یعنی وفات کرده باشد و این درجه بالاتر است برای اینکه در زندگی پدر خوش‌رفتاری کردن با دوستان پدر گمان بر آوردن اغراض خود را هم دارد زیرا محکم کردن رابطه و خوش رفتاری با دوستان پدر برای بدست آوردن غرضی که می خواهد از جانب پدر برآورده شود مُعین و مدد کار است. امّا بعد از وفات پدر خوش‌رفتاری و احسان کردن با آنها از اغراض شخصی اش بالاتر می باشد. دراین فقط احترام پدر باقی می‌ماند.

درروایتی آمده است ابن دینارؒ می گوید که حضرت ابن عُمَرؓ رضی الله عنهما به مکّه مکّرمه تشریف می بردند در راه یك اعرابی را دید ند. حضرت ابن عمرؓ سواری خویش را به اوعطاء کرد و از سرِ خود عمامه را برداشت و به او هدیه داد. ابن دینارؒ عرض کرد: این شخص به احسانی کمتر از این هم خوشحال می شد (شما هم عمامۂ خود را دادید و هم

سواری خود را) حضرت ابن عمرؓ فرمودند: پدراو ازدوستان پدر من بود و من از رسول اکرمﷺ این را شنیده ام که بهترین صله رحم احسان کردن با دوستان پدر است.

حضرت ابو هریرهؓ می فرمایند که من در مدینه منوّره حاضر شدم حضرت ابن عمرؓ برای ملاقات من تشریف آوردند و فرمودند شما می دانید که من چرا آمده ام؟ من از رسول اکرمﷺ شنیده ام که هر شخصی که بخواهد در قبر با پدر خود صلهٔ رحم کند باید بادوستان پدر خود خوش رفتاری و نیکی کند و دربین پدر من عُمَرؓ و پدر شما دوستی بود. به همین خاطر آمده ام.(ترغیب) برای اینکه فرزند دوست نیز (ماسد خود) دوست است.

درحدیث دیگری است که حضرت ابو اُسَید مالك بن ربیعهؓ می فرمایند من در خدمت رسول اکرمﷺ حاضر بودم که یك شخص از قبیله بنو سلمه در خدمت رسول اکرمﷺ حاضر شد و عرض کرد. یا رسول اللهﷺ آیا بعد از انتقال پدر و مادرم صورت وترتیبی برای نیکی واحسان کردن برآنها باقی است؟ رسول اکرمﷺ فرمودند: بله. برای آنها دعا و طلب مغفرت کردن و وفانمودن عهدی که آنها با کسی کرده باشند و با خویشاوندان او خوش رفتاری و نیکی کردن و به دوستان او احترام کند اینست [illegible] در روایت دیگری، ادامه حدیث چنین آمده که آن شخص عرض کرد یا رسول اللهﷺ این چه روش عالی و خوبی است! رسول اکرمﷺ فرمودند پس برآن عمل کن.(ترغیب)

(٤) عَنْ اَنَسٍؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِﷺ اِنَّ الْعَبْدَ لَیَمُوْتُ وَالِدَاهُ اَوْاَحَدُهُمَا وَاَنَّهٗ لَهُمَا لَعَاقٌ‘‘ فَلَا یَزَالُ یَدْعُوْ لَهُمَا وَیَسْتَغْفِرُ لَهُمَا حَتّٰی یَکْتُبَهُ اللّٰهُ بَارّاً۔

(رواه البیهقی فی الشُّعَب کذافی المشکوٰة)

ارشاد رسول اکرمﷺ است شخصی که پدر و مادرش هر دو یایکی از آنها وفات کند و آن شخص نافرمانی آنها را کرده باشد پس اگرهمیشه برای آنهاطلب مغفرت نماید و علاوه از آن دعاهای دیگری هم بکند پس آن شخص از فرمانبرداران به شمار می رود.

توضیح: این چقدر انعام و احسان، لطف و کرم خداوند متعال است که در زندگی والدین بسا اوقات از پیش آمدن امور ناگواری، در دلها رنج و کدورت می آید

لیکن هر اندازه رنج هم باشد والدین چنین نعمتی نیستند که بعد از مُردن آنها هم دردل رنج بماند. احسانات آنها رابه یاد آورده، انسان بی قرار می‌شود. امّا حالا آنها مُرده اند. دراین وقت چگونه می تواں تلافی کرد؟ خداوند متعال از فضل خود این دروازه راهم باز کرده، که بعد از مُردنِ آنها دعا کرده، و طلب مغفرت نماید و برای آنها ثواب مالی و جانی برساند. برای این که، آن حقوقی را که در زندگی آنها ضایع شده بودند جبران می کند و بجای حساب شدن در نافرمانان از فرمانبرداران به شمار می آید. این چقدر احسان خداوند متعال است که بعد از اشتباه و از دست رفتن وقت بازهم راه را باز کرده، چقدر بی غیرتی و سخت دلی است. اگر این فرصت را هم از دست بدهد. وکیست که همیشه کارهای خوشنودی والدین را انجام داده باشد؟ در ادای حقوق آنها کمی و کوتاهی عموماً پیش می آید. لذا اگر این چنین روش و ترتیبی برای خود مقرر کند که به آنهاهمیشه ثواب برسد، پس چقدر نعمت بزرگی را می تواند حاصل کرد.

درحدیثی است که هر شخصی از طرف والدین خود حج کند برای آنها حج بَدَلْ می‌شود و خوش خبری آن به روح آنها در آسمان داده می‌شود و این شخص نزد خداوند متعال جزءِ فرمانبرداران حساب می‌شود اگر چه قبلاً نافرمان باشد. در روایتی دیگر است هر شخص که ازطرف والدین خود حج کند برای آنها ثواب یك حج می رسد و برای حج کننده ثواب ۹ حج می رسد. (رحمةالمهداة)

عَلاّمه عینیؒ درشرح بخاری یك حدیث نقل کرده اندکه هر شخص یك بارا ین دعارا بخوا ند:

﴿اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَلَهُ الْكِبْرِيَآءُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ط لِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ط وَلَهُ الْعَظَمَةُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ط هُوَالْمَلِكُ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ط وَلَهُ النُّوْرُفِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ط﴾

وبعد از آن ازخداوند متعا ل بخواهدكه "ثواب این را به والدین من برسان" او حقّ والدین را اداء کرده است. درحدیث دیگری آمده است: اگر انسان صدقه نفلی

بدهد چه بهتر است که ثواب آنرا به والدین خود ببخشد به شرطی که آنها مسلمان باشد زیرا در این صورت به آنها ثواب می رسد و از ثواب صدقه کننده چیزی کم نمی‌شود (س) موافق این حدیث زحمت اضافه ای هم نمی خواهد در هر موقع هر انچه که انسان خرج می‌کند ثواب آنرا به پدرومادر خود ببخشد.

حضرت عبدالله ﷺ بن سلام می فرمایند. قسم به آن ذات پاکی که رسول اکرم ﷺ را به حقّ فرستاده، این در کلام پاك خداوند است، که هر شخصی با پدر تو صلهٔ رحم نموده تو با او قطع رحم نکن وگرنه نور تو ازبین خواهد رفت. در حدیثی است هر شخصی که هر جمعه قبر والدین خود یا یکی از آنها را زیارت کند مغفرت او کرده می‌شود و او فرمانبردار به شمار می رود. اَوْزَاعِیؒ می گویند به من این خبر رسیده است که هر شخص در زندگی نافرمان پدر و مادر خودباشد بعد از وفات شان برای انها طلب مغفرت کند و اگر به ذمّهٔ آنها قرضی باشد آن را اداء کند و به آنها بدنگوید، او از فرمانبرداران بحساب می آید و هر شخص که در زندگی پد رو مادر فرمانبردار بوده لیکن بعد از مردنشان به آنها بد و بیراه می گوید و قرض آنها را هم اداء نمی کند و برای انها طلب مغفرت هم نمی کند او از نافرمانان شمار می‌شود. (دُرّمنثور)

(۵) عن سراقة بن مالك انّ النّبیﷺ قال الا ادلّكم علی افضل الصّدقة اِبْنَتُكَ مَرْدُوْدَة" الیك لیس لها کاسِبٌ غَیْرُكَ۔ (رواه ابن ماجة كذا فی المشكوٰة)

رسول اکرمﷺ یك بار ارشاد فرمودند من به شما بهترین صدقه را نشان بدهم، (محل) آن دختر تو است که به تو برگردانده شده و برای او غیر از تو دیگر کسب کننده ای نبا شد (هر خرجی که براین دخترکرده شود بهترین صدقه است).

توضیح: مراد از "برگردانده شدن دختر" این است که دختر را نکاح داده بود شوهرش وفات کرد یا او را طلاق داده، یا علتی دیگر پیش بیاید که به سبب آن مسئولیت دختر بر عهده پدر بر گردد پس رسیدگی، به او و خرج کردن برای آن دختر افضل ترین صدقه است. وافضل بودن این روشن است زیرا در این، اوّل صدقه دوّم کمك به مصیبت زده، سوّم صلهٔ رحم است. چهارم رسیدگی به اولاد. و پنجم دلداری غم زده است برای این که در ابتدا مسئولیت اولاد برای پدر و مادر بجای رنج سبب

خوشحالی است. امّا بعد از آنکه صاحب منزل شده و زندگی مستقلی داشته باشد، برگشت دوباره او به خانه پدر و مادر بیشتر باعث رنج می‌شود.

ارشاد رسول اکرمﷺ است هر شخصی که فریاد رسی مصیبت زده ای را بکند برای او هفتاد و سه درجه مغفرت نوشته می‌شود. که به سبب یکی ازآنها تمام کارهای او اصلاح و درست می‌شود و هفتادو دودرجه دیگر سبب ترقّی او در آخرت می‌شود. روایات بسیاری در این مضمون در ذیل احادیث شماره۲٦ فصل اوّل گذشته است. اُمّ الُمؤمنین حضرت اُمّ سَلَمَهْؓ از رسول اکرمﷺ پرسید که فرزندانی از شوهر قبلی ام اَبُو سَلَمهْؓ نزد من هستند آیا از خرج کردن برآنهاهم به من ثواب می رسد باوجودی که اولاد من هستند؟ آنحضرتﷺ فرمودند: برآنها خرج کن به تو ثواب آن می رسد. (مشکوة) رحمت و شفقت بر اولاد به غیر از احتیاج و ضرورت آنها هم جداگانه پسندیده و مطلوب است. یك بار نزد رسول اکرمﷺ یکی از دو نوه ایشان حضرت حسن و حسین رضی الله عنهما موجود بود. آنحضرتﷺ او را نوازش می کرد اَقْرَعُ بن حابِس سردار قبیله تمیم هم آنجا بود گفت که من ده پسر دارم هیچ وقت یکی از آنها راهم نوازش نکرده ام. رسول اکرمﷺ به طرف او به تندی نگاه کردند و فرمودندهر کسی که رحم نمی‌کند براوهم رحم کرده نمی‌شود.

در حدیث دیگری است که یك عرب صحرا نشین عرض کرد: شما بچه ها را نوازش می‌کنید ما چنین کاری نمی کینم، رسول اکرمﷺ فرمودند: من این را چگونه علاج کنم که خداوند متعال مادهٔ رحمت را از دل تو بیرون کرده است؟! (ترغیب)

(دختربرگردانده شده) علاوه از اینکه اولاد است، مصیبت زده بودن او جداگانه سبب اجر است.

(٦) عَنْ سَلْمَانَ بِنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِﷺ اَلصَّدَقَةُ عَلَی الْمِسْکِیْنِ صَدَقَةٌ وَ هِیَ عَلٰی ذِیْ الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ وَ صِلَةٌ۔ (رواه احمد والترمذی وغیرهما کذا فی المشکوٰة)

ارشاد رسول اکرمﷺ است صدقه کردن بر فقیر فقط صدقه است و صدقه کردن بر خویشاوند، هم صدقه است و هم صلهٔ رحمِ دو چیز(باعث)اجر شدند.

توضیح: تا جائیکه تعلق خویشان و نزدیکان است، صدقه دادن به آنها از صدقه

دادن به عموم فقرا مقدّم و افضل است. از رسول اکرم ﷺ در روایات مختلف با عناوین متفاوتی این مضمون به کثرت نقل شده است. ارشاد آنحضرت ﷺ است که یك دینار در راه خدا خرج کنی یا یك دینار برای آزاد کردن غلامی بدهی، یك دینار به فقیری بدهی، یك دینار را برای اهل و عیال خود خرج کنی، از همه اینها افضل همان است که تو براهل و عیال خود خرج کنی (به شرطی که فقط بخاطر رضاو خوشنودی خداوند متعال باشد و آنها احتیاج هم داشته باشند این موضوع در صفحات بعد خواهدآمد).

درحدیثی است، که وقتی حضرت میمونهؓ کنیزی را آزاد کرد. رسول اکرم ﷺ فرمودند اگر این را به دایی های خود می دادی ثواب بیشتری می رسید. یك بار آنحضرت ﷺ بطور خصوصی زنها را برای صدقه دادن ترغیب و تشویق فرمودند. حضرت زینبؓ به شوهرخود حضرت عبدالله بن مسعود ﷺ که صحابی مشهور و از فقهاء هستند گفت: امروز رسول اکرم ﷺ به ماحکم صدقه دادن را نمودند و وضع مالی شما ضعیف است شما نزد آن حضرت ﷺ بروید وبپرسید که اگر من به شماصدقه بدهم کافی است یا نه. حضرت عبدالله بن مسعود ﷺ فرمودند خودت برو و بپرس (ممکن است ایشان از پرسیدن برای خود حیاء و گمان غرضِ شخصی داشتند) حضرت زینبؓ در خدمت رسول اکرم ﷺ حاضر شد آنجا دید که جلوی درب یك زن دیگر هم ایستاده است و او هم می خواست همین مسئله را بپرسد امّا به سبب هیبت رسول اکرم ﷺ همّت پرسیدن نمی کرد در همین حال حضرت بلال ﷺ آمد. از او خواستند که به آنحضرت ﷺ عرض کند که دو زن آمده اند وسؤال می کنند که اگر برشوهران خود و اولاد یتیم خود که از شوهرهای قبلی نزد آنها هستند صدقه کنند آیا کافی است؟ حضرت بلال ﷺ پیام رابه رسول اکرم ﷺ رساند آنحضرت ﷺ پرسیدندچه کسانی هستند؟ حضرت بلال ﷺ عرض کرد: که یکی فلان زنِ انصاری است و دیگری زینبؓ همسر عبدالله بن مسعود ﷺ است. آنحضرت ﷺ فرمودند: بله و برای آنها دو برابر ثواب. است هم ثواب صدقه و هم ثواب خویشاوندی است.(مشکوة)

ارشاد حضرت علی ﷺ است: من به یکی از برادرانم یك درهم کمك کنم مرا پسندیده تراست ازاینکه بردیگران بیست درهم خرج کنم و اگر من براو صد درهم

خرج کنم این را بیشتر دوست دارم از اینکه غلامی را آزاد نمایم.(احیاء اتحاف) در حدیثی است وقتی که خود انسان نیاز مند باشد خود او مقدّم است وقتی که نیاز خودش چیزی اضافه داشته باشد پس اهل و عیال مقدّم هستند و اگر از آنها اضافه باشد پس خویشاوندان دیگر مقدّم اند و اگر از آنها اضافه باشد پس اینجا و آنجا خرج نماید.(کنز) این مضمون در کنز العُمّال وغیره در چندین روایت ذکر شده است. از این معلوم شدکه مؤخّر کردن دیگران آن وقت است که خود او یا اهل و عیال او بیشتر احتیاج داشته باشند و اگر دیگران از او محتاج تر باشند یا خود او باوجود احتیاج توانایی صبر کردن را دارد و اعتماد او بر خداوند متعال کامل است پس مقدّم کردن دیگران درجه کمال است. درشماره۲۸ آیات فصل اوّل در ذیل ﴿ وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ، این﴾ مضمون مفصلاً گذشته است.

حضرت علی‌رضی الله عنه ارشاد می فرمایند من به شما قصّه خود و (همسرم) حضرت فاطمه‌رضی الله عنها که عزیز ترین اولاد آنحضرت‌صلی الله علیه وسلم بودرا بیان کنم؟ او در منزل من زندگی می کرد خودش آسیاب دستی را می گرداند از سبب آن دستهایش آبله شده بود. و خودش آب می آورد از سبب حمل مَشك آب، بر بدنش نشان طناب افتاده بود و خودش خانه راجارو می زد، به سبب آن لباسهایش گرد آلود می شد. خودش غذا می پخت که از اثر دود لباسهایش سیاه می شد، غرض هر نوع مشقّتی را برداشت می کرد. یك بار نزد رسول اکرم‌صلی الله علیه وسلم چند کنیز و غلام وغیره رسیدند من گفتم: شمابروید ویك خادم طلب کنید تا از این مشقّتها، کمی راحت شوید. او در خدمت رسول اکرم‌صلی الله علیه وسلم حاضرشد، آنجا جمعی بود به سبب حیاء نتوانست چیزی بگوید و برگشتند. در روایتی است که به حضرت عائشه‌رضی الله عنها گفته و برگشت. روز دوّم رسول اکرم‌صلی الله علیه وسلم خود تشریف آوردند و فرمودند: ای فاطمهٔ! دیروز برای گفتن چه چیزی آمده بودی او به سبب حیاء خاموش ماند. حضرت علی‌رضی الله عنه می فرمایند من تمام حالات او را از آب آوردن وغیره بیان کردم و عرض کردم من او را فرستاده بودم تا از شما خادمی را طلب کند. آنحضرت‌صلی الله علیه وسلم فرمودند: من به شما از خادم چیز بهتری را نشان بدهم؟ وقتی که می خواهید بخوابید ۳۳ بار ﴿سبحان الله﴾، ۳۳ بار ﴿الحمدالله﴾ و ۳٤ بار ﴿الله اکبر﴾ بگوئید این از خادم بهتر است (ابو داود) در روایت دیگری در این قصّه این

ارشاد رسول اکرمﷺ نیز نقل شده است: من هر گز در این حال نمی توانم به شما خادمی بدهم که شکم اصحاب صفّه به سبب گرسنگی به کمرشان چسپیده است، این غلامهارا فروخته قیمت آنها را براهل صفّه خرج می نمایم. (فتح الباری)

(۷) عَنْ اَسْمَاءَ بِنْتِ اَبِیْ بَكْرٍؓ قَالَتْ قَدِمَتْ عَلَیَّ اُمِّیْ وَ هِیَ مُشْرِكَةٌ فِیْ عَهْدِ قُرَیْشٍ فَقُلْتُ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنَّ اُمِّیْ قَدِمَتْ عَلَیَّ وَهِیَ رَاغِبَةٌ" اَفَاَصِلُهَا قَالَ نَعَمْ صِلِیْهَا۔

(متفق علیه کذا فی المشکوة)

حضرت اسماءؓ می فرمایند در زمانیکه رسول اکرمﷺ با قریش معاهده داشتند در آن زمان مادر من کافر بود از مکّه مکّرمه به مدینه منوّره آمدو من از رسول اکرمﷺ پرسیدم مادرم نیاز مند (کمک من) است و برای همین آمده است، آیااو را کمک کنم؟ آنحضرتﷺ فرمودند: بله او را کمك کن.

توضیح: در ابتدای زمانه اسلام از طرف کفار بر مسلمانان چقدر ظلم شده از بیان خارج است. کتب تاریخ از آنها پر می باشند حتّی که مسلمانان مجبور شدند از مکّه مکرمه هجرت نمایند. بعد از رسیدن به مدینه منوره هم از طرف مشرکین به هرطریق جنگ و آزار رسانی ادامه داشت. رسول اکرمﷺ بایك جماعت فقط به نیّت عُمره به مکه مکرمه تشریف آوردند. اما کفار نگذاشتند که در مکّه هم داخل شوند بلکه بیرون از مکه مجبور به بازگشت شدند،لیکن دراین وقت معاهده ای بسته شد درآن معاهده با شرایطی توافق شد تا چند سال با یکدیگر جنگ نکنند. قصّه آن مشهور است. حضرت اسماءؓ در این حدیث بطرف همان معاهده اشارد می فرمایند. یعنی در زمانی که با قریش معاهده بسته شده بود، یکی از همسران حضرت ابوبکرؓ مادر حضرت اسماءؓ بود و مسلمان نشده بود،به اُمیدکمك نزد دختر خود حضرت اسماءؓ آمد، چون او مشرك بود برای حضرت اسماءؓ این اشکال پیش آمد کمك بکنم یانه؟ به همین خاطر از رسول اکرمﷺ پرسید، آن حضرتﷺ حکم دادندکه کمك کند.

امام خطّابیؒ می فرمایند که از این واقعه معلوم شد که صلهٔ رحم از نظر مالی با خویشاوندان کافر هم لازم و ضروری است هما نطوریکه با خویشاوندان مسلمان لازم است. در روایتی است: در همین قصّه آیات قرآن مجید﴿لَا یَنْهٰكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِیْنَ لَمْ

يُقَاتِلُوْكُمْ فِي الدِّيْنِ وَلَمْ يُخْرِجُوْكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ اَنْ تَبَرُّوْهُمْ وَ تُقْسِطُوْا اِلَيْهِمْ۔ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ﴾ (ممتحنه۔ رکوع۲) نازل شد.(فتح الباری) ترجمه آیه خداوند متعال شمارا از احسان کردن و انصاف کردن منع نمی‌کند با آن کسانی که با شما در بارۀ دین جنگ نکرده اند و شمارا ازخانه ها یتان بیرون نکرده اند. بدون شك خداوند متعال انصاف کنندگان را دوست دارد".

حضرت اقدس حکیم الامة مولاناتهانوی(قدس سرّہ) می فرمایند: مراد آن کفارند، که ذمّی یا مصالح باشند. یعنی رفتار نیکو باآنها جائز است و همین را. رفتار منصفانه فرمود پس مراد از انصاف، انصاف خاص است یعنی به اعتبار ذِمّی بودن و مصالح بودن. انصاف خواهان همین است که ازاحسان کردن با آنها دریغ نشود والاّ مطلق انصاف باهر کافر بلکه باهر حیوان هم واجب است.(بیان القرآن)

مادر حضرت اسماءؓ که نامش قَیْلَهٗ یا قُتَیْلَه بنت عبدالعُزّی است چون مسلمان نشده بود، حضرت ابوبکرؓ او را طلاق داده بود. در بعضی روایات است که کمی روغن و پنیر وغیره بطور هدیه برداشته نزد دختر خود حضرت اسماءؓ رفت. حضرت اسماءؓ اورا اجازه نداد درخانه داخل شود و کسی را برای پرسیدن مسئله نزد خواهر پدری خود حضرت عائشه‌رضی الله عنها فرستاد که از رسول اکرمﷺ بپرسد، وبه ایشان اطلاع دهد. آنحضرتﷺ اجازه فرمودنداین آیۀ مبارکه دربارۀ همین قصّه نازل شد.(فتح الباری ۔ دُرّمنثور) این بود پختگی در دین و شوقِ قابل رشك آن حضرات، که مادر به خانه بیاید فقط بخاطر ملاقات دختر خود و هنوز معلوم نبود که برای طلب کمك آمده است لیکن حضرت اسماءؓ برای واضح شدن مسئله کسی را فوراً فرستاد آیا می توانم به مادرم اجازه بدهم درخانه من داخل شود یا خیر؟

در روایات بسیاری این مضمون وارد شده است که صحابه کرامؓ ابتداصدقه کردن بر غیر مسلمانان را پسند نمی کردند بنا براین خداوند متعال آیۀ ﴿لَيْسَ عَلَيْكَ هُدٰهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ ٥ وَمَا تُنْفِقُوْامِنْ خَيْرٍ فَلِاَ نْفُسِكُم....﴾(بقره۔رکوع۳۷) را نازل فرمودند.

"هدایت آنها بر عهده تو نیست. این کارخداوند متعال است هر که رابخواهد هدایت می دهد.و هر آنچه شما (از خیرات وغیره) خرج می‌کنید ، برای نفع

خودتان است وبه غیر از رضا جویی خداوند، برای غرضی دیگر خرج نمی‌کنید.“ یعنی شماکه صدقه وغیره بخاطر خوشنودی خداوند متعال میدهید، در آن هر حاجتمند شامل است، یعنی به هرحاجتمند بدهید فرق نمی‌کندکافر باشد یا مسلمان.

حضرت اِبن عباس‌رضی الله عنهما می فرمایند مردم بر خویشا وندان کافر احسان کردن را نمی پسندیدند تا آنها هم مسلمان شوند. در این مورد از رسول اکرم‌صلی الله علیه وسلم پرسیدند: بنا براین آیهٔ مبارکه:﴿لَيۡسَ عَلَيۡكَ هُدٰهُم﴾ نازل شد در روایات بسیاری این مضمون وارد شده است.(دُرّمنثور)

امام غزالیؒ نوشته اند: یك مجوسی در خدمت حضرت ابراهیم علیه السلام حاضر شد و درخواست کرد که او را مهمان کند. ایشان فرمودند: اگر ایمان بیاوری مهمانت می کنم. آن مجوسی رفت. از طرف خداوند متعال وحی نازل شد، ای ابراهیم! شما غذای یك شب را بدون تبدیل مذهب نتوانستی بدهی من هفتاد سال است که با وجودِ کافربودنش، به او غذا می دهم. اگر یك وعده غذا می دادی چه می شد؟ حضرت ابراهیم‌علیه السلام فوراً درجستجو و تلاش او مشغول شد. اوراپیدا کرد و به همراه خود آورد و غذا داد مجوسی پرسید چه خبر شده که خودت دنبال من آمدی؟ حضرت ابراهیم قصّه وحی رابرای او بیان فرمودند. مجوسی گفت: وقتی که کرم و لطف خداوند برمن این است! پس مرا اسلام بیاموز و درهمان وقت مسلمان شد.(احیاء)

درحدیثی است، سه چیز چنا نند که هیچ کس نباید در آنها کوتاهی کند:

(۱)ـ احسان کردن بر والدین، مسلمان باشند یا کافر

(۲)ـ باهر که عهد بسته شود، وفا شود مسلمان باشد یا کافر

(۳)ـ برگرداندن امانت خواه از مسلمان باشد یاازکافر .(جامع الصغیر)

محمّد بن الحنفیّه و عطاءِ و قتاده‌رحمهم الله از هر سه حضرات نقل شده، که مقصود از ارشاد پاك خداوند متعال﴿اِلَّآ اَنۡ تَفۡعَلُوۡ اِلٰٓى اَوۡلِيَآئِكُمۡ مَّعۡرُوۡفًا﴾(احزاب۔ رکوع ۱) توصیه کردن به مسلمانان برای خویشاوندان غیر مسلمان، یهود، نصاریٰ وغیره است.(مغنی)

(۸) عَنْ اَنَسٍؓ وَعَبْدِاللّٰہِؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِﷺ اَلْخَلْقُ عَیَالُ اللّٰہِ فَاَحَبُّ الْخَلْقِ اِلَی اللّٰہِ مَنْ اَحْسَنَ اِلٰی عَیَالِہٖ۔
(رواہ البیھقی فی شعب کذا فی المشکٰوۃ)

ارشاد رسول اکرمﷺ است: خلق، اهل خداوند هستند نزد الله، محبوبتر همان کسی است که با اهل او نیکی بیشتری کند.

توضیح: در مخلوق، مسلمان، کافر، انسان و حیوان همه شامل هستند. احسان بر هر مخلوق، از تعالیم اسلام است و خداوند متعال آنرا می پسندد. در فصل اوّل در شماره ۱۰ این حدیث گذشته است که زن فاحشه ای سگ تشنه ای را آب داد که به سبب آن بخشیده شد. و در شماره ۸ فصل دوّم این حدیث گذشت که زنی، گربه ای را نزد خود نگه داشت و به آن غذا نداد به سبب آن گرفتار عذاب شد. وقتی که حال حیوانات این است پس انسان که اشرف مخلوقات است، احسان و رفتارخوب با اوچه اَجرِی خواهد داشت؟ ارشاد مشهور رسول اکرمﷺ است: ﴿اِرْحَمُوْا مَنْ فِی الْاَرضِ یَرْحَمُکُمْ مَنْ فِی السَّمَآءِ﴾ شما براهل زمین رحم کنید اهل آسمان برشما رحم می‌کنند. در حدیث دیگری ارشاد رسول اکرمﷺ است هرکس بر انسانها رحم نمی‌کند خداوند متعال هم براو رحم نمی‌کند. درحدیث دیگری است رحم از دل کسی برداشته می‌شود که بد بخت باشد. (مشکٰوۃ)

خود رسول اکرمﷺ در تمام عمرشریفشان برای تمام جهانیان رحمت بودند. هر واقعهٔ زندگی ایشان گواهی این را میدهد. برای امّت لازم است، واقعات زندگی آنحضرتﷺ را تحقیق کرده، از ایشان پیروی کنند. ارشاد خداوند متعال است: ﴿وَمَآ اَرْسَلْنٰکَ اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِیْنَ﴾ (انبیاء۔ رکوع۷) "وما شما را نفرستادیم مگر رحمتی برای تمام جهانیان". حضرت ابن عباس رضی الله عنهما در تفسیر این آیهٔ مبارکه می‌فرمایند: کسانی که بر رسول اکرمﷺ ایمان آوردند وجود آنحضرتﷺ برایشان در دنیا و آخرت رحمت است. اما کسانی که ایمان نیا وردند برای آنها از این نظر وجود ایشان رحمت است که ازمبتلا شدن به عذابهای دنیوی مثل امتهای قبلی مانند عوض شدن چهره، باریدن سنگ از آسمان و فرورفتن در زمین محفوظ هستند.

حضرت ابوهریرهؓ می فرمایند: بعضی مردم از رسول اکرمﷺ درخواست کردند که قریش مسلمانان را اذیّت می‌کنند و ضررهای زیادی می رسانند، شمابرای

آنان دعای بدکنید آنحضرت ﷺ فرمودند: من برای بدعایی فرستاده نشده‌ام. بلکه برای انسانها رحمت قرار گرفته فرستاده شده ام. در روایات دیگری این مضمون وارد شده است. (دُرّ منثور) واقعه جانگداز سفر رسول اکرم ﷺ به طائف را در شروع حکایات صحابهؓ نوشته ام آن بد نصیبان چقدر ایشان را اذیت و آزارهای سختی رساندند حتیٰ از بدن مبارك آنحضرت ﷺ خون جاری شد و با وجوداین وقتی فرشته مقرر برکوهها آمده، درخواست نمود اگرشمااجازه بدهیدکوههای دو طرف را بهم بچسبانم تا همهٔ اینها در وسط آن هلاك شوند، رسول اکرم ﷺ فرمودند من از ذات پروردگار امید وارم اگر اینها مسلمان نشوند از نسل اینها افرادی پیدا شوند که نام الله ﷻ را بر زبان جاری نمایند.

در جنگ اُحُد هنگامی که بر رسول اکرم ﷺ حمله سختی شد و دندان مبارك آنحضرت ﷺ شهید شد مردم درخواست دعای بد برای کفارکردندآنحضرت ﷺ فرمودند: ای پروردگار! قوم مرا هدایت بفرما برای اینکه اینها نادانند. حضرت عمرؓ عرض کرد: یا رسول الله ﷺ اگر شما هم مثل حضرت نوح عليه السلام دعای بد می‌فرمودید، همه ما هلاك می‌شدیم برای اینکه به شما هرگونه اذیت و آزار داده می‌شد اما شما در عوض می‌فرمودید: ای الله قوم مرا مغفرت فرما که آنها نمید انند. قاضی عیاض می فرماید: این حالات را باید با توجه نگاه کنیم این بهترین نمونه صبر واخلاق و نهایت جُود و کَرَم آنحضرت ﷺ است که بر این اذیت و آزار های سخت گاهی دعای مغفرت وگاهی دعای هدایت می کردند.

واقعه غواث بن حارث مشهور است: وقتی در سفری رسول اکرم ﷺ تنها خوابیده بودند شمشیر گرفته نزد آنحضرت ﷺ رسید.و چشم رسول اکرم ﷺ آنوقت باز شدکه او شمشیر راکشیده کنارآنحضرت ﷺ ایستاده بود. او با صدای بلند گفت حالا بگو چه کسی می تواند تو را نجات دهد؟ آن حضرت ﷺ فرمودند: (الله ﷻ) به محض این که رسول اکرم ﷺ فرمودند الله، بر بدن غواث لرزه افتاد و شمشیر از دستش رهاشد. آنحضرت ﷺ آن شمشیر را به دست مبارك گرفته و فرمودند: حالا بگو چه کسی تو را نجات میدهد؟ گفت شما بهترین شمشیر گیرنده هستید (یعنی درگذر فرمائید) آنحضرت ﷺ درگذر فرمودند.

واقعه زهر دادن زن یهودی به رسول اکرمﷺ هم مشهور است وآن زن اقرار هم کرد که به رسول اکرمﷺ زهر داده ام لیکن آنحضرتﷺ انتقام نگرفتند. لَبِیدبن اَعْصَم بر رسول اکرمﷺ سحر و جادو کرد. آنحضرتﷺ این عمل او را دانستند اما پخش شدن آنرا پسند نفرمودند. غرض اینکه دو یا سه واقعه نیست بلکه هزاران واقعه است که رسول اکرمﷺ بر دشمنان رحم و شفقت نموده اند. (شفاء)

ارشاد پاك رسول اکرمﷺ است: شما تا آن زمان مؤمن نمی شوید که بر یکدیگر رحم نکنید. صحابه کرامؓ عرض کردند یا رسول اللهﷺ همه ما رحم میٰ کنیم. آنحضرت فرمودند: رحم این نیست که فقط با خویشاوندان باشد بلکه رحم آن است که عام باشد. رسول اکرمﷺ به مکانی تشریف بردند که در آنجا چند نفرازقبیله قریش نشسته بودند آنحضرتﷺ فرمودند سلسله سلطنت و حکومت در قریش می ماند تا وقتی که در بین شان این معمول باشد، که هر شخصی از آنها درخواست رحم کند، براو رحم کنند. وقتی حکم کنند، عدل را در نظر بگیرند. وقتی چیزی تقسیم کنند انصاف اختیار کنند و هر که براین امور عمل نکند براو لعنت الله و لعنت فرشتگان و لعنت تمام انسانها ست.

یك بار رسول اکرمﷺ به مکانی تشریف بردند که آنجا جماعتی از مهاجرین و انصارؓ تشریف داشتند. چون دیدندآنحضرتﷺ تشریف می آورند هر یك از جای خود به این امید تکان خورد که آنحضرتﷺ آنجا بنشینند. رسول اکرمﷺ دم دروازه تشریف فرما شدند و دستهای مبارك را در دو طرف دروازه گذاشته، فرمودند: من بر شما حقّ زیادی دارم. این امر سلطنت در قریش می ماند تاوقتی که برسه چیز اهتمام کنند: ۱ـ هر کس از آنها طلب بخشش کند، براو رحم کنند ۲ـ وقتی که حکم و قضاوت کنند با عدل وانصاف بکنند ۳ـ چون باکسی عهد نمایند برآن وفا کنند، و هر که چنین نکند بر او لعنت خدا وفرشتگان و همۀ انسانها ست.

ارشاد حضور اکرمﷺ است: هر کس یك گنجشك را به ناحقّ ذبح کند، روز قیامت از او حساب گرفته میٰشود. صحابه کرامؓ عرض کردند: حقِّ آن چیست؟ آنحضرتﷺ فرمودند: آنرا بعد از ذبح کردن بخورد. (نه اینکه آنرا ذبح کرده و بیندازد) در احادیث بسیاری این مضمون وارد شده است به غلامهائی که زیر دست

شما هستند، همان غذایی بخورانید که خودتان می خورید. از همان لباس بپوشانید که خودتان می پوشید و هر کدامْ که با مزاجتان سازگار نیست، او را بفرو شید و به هیچ وجه حقّ ندارید که او را اَذِیّت کنید.(ترغیب)

ارشاد رسول اکرم ﷺ است: وقتی خادم شما برایتان چیزی پخته بیاورد، او مشقت گرمی و دودآنرا متحمّل شده است باید او رادرخوردن با خود شریك کنید اگر آنقدر نباشد که بتوانید او را شریك کنید پس از آن کمی به او هم بدهید.(مشکوة) ارشاد رسول اکرم ﷺ است که خوش‌رفتاری با زیر دستان باعث خوشبختی است. و بدخُلقی با آنان بدبختی است.(مشکوة) غرض اینکه در هر صورت رسول اکرم ﷺ بر رحم کردن بر مخلوق تأکید فرموده اند و به انواع مختلف برای خدمت به آنها ترغیب داده اند.

(۹) عن ابن عمرؓ قال قال رَسُوْلُ اللهِ ﷺ لیس الواصلُ بالمُکافِئِ و لٰکنّ الواصل الذی اذا قطعت رحمهٗ وصلها (رواه البخاری، کذا فی المشکوة)

ارشاد رسول اکرم ﷺ است که صله رحم کننده آن نیست که هرگونه با او رفتار شدٗ عوض آن را بجای آورد بلکه صله رحم کننده آن است که در مقابل قطع رحم کردن دیگران، او صلهٔ رحم کند.

توضیح: این کاملاً واضح و روشن است. وقتی شما درهر کاربه این فکر با شید که هر گونه دیگری رفتار بکند من همٗ با او هما نطور رفتار خواهم کرد پس شما چه صلهٔ رحم کرده اید؟ زیرا این روش با هر بیگانه هم هست که هرگاه شخصی بر شما احسان کرد باید بر او احسان کنید. در حقیقت صلهٔ رحم همین است که اگر از طرف مقابل بی توجهی بی نیازی و قطع رابطه باشدٗ شما در فکر برقرار کردن رابطه باشید. و این فکر رانکنیدکه او با شما چگونه رفتار می کند. بلکه در این فکر باشید که وظیفه ای بر عهدهٔ من استٗ چیست؟ من باید چکار کنم؟ حقّ دیگران را اداء کنیم. نباید حقّی از او بر ذمّه ما بماند تا در روز قیامت از ما حساب آن گرفته شود. حتّی خیال برآورده شدن حقوق خود را هم در دل نیا وریم. بلکه اگر برآورده نمی‌شود، خوشحال باشیم چون مزد و ثوابی که درجهان آخرت میرسد از آنچه که از اداء کردن دیگری دراین

دنیا می رسد، خیلی بیشتر است.

یکی ازصحابه کرامؓ عرض کرد: یا رسولَ اللّهﷺ من خویشاوندانی دارم با آنها صلهٔ رحم می کنم آنها قطع رحم می‌کنند. من بر آنها احسان می‌کنم، آنها بدی می‌کنند. من در هر معامله با صبر پیش می آیم آنها همیشه نادانی می‌کنند. آنحضرتﷺ فرمودند: اگر همه اینها درست باشد پس تو بر چهره آنها خاك می‌پاشی. (یعنی خودشان ذلیل خواهند شد.)

و مدد خداوند متعال شامل حال تو است تا زمانی که بر این صفت قائم باشی.(مشکوة) وقتی مدد خداوند شامل حال کسی با شد نه ازبدّی کسی به او ضرری می رسد ونه قطع رابطه کسی می تواند مانع از رسیدن نفع به او شود.

گر با همه ام چو بی توام بی همه ام ور بی همه ام چو با توامٔ با همه ام

تو از من جدا مباش که جدایی تو برای من هلاکت است و من براین راضی ام حتّی اگر همه مرا رها کنند.

این یك حقیقت واضح است که هرگاه خداوند متعال مدد گار کسی باشد ممکن نیست که او محتاج کمك دیگری باشد. وتمام اهل جهان مجبور هستند یار و مددگار او باشند و اگر تمام اهل دنیا جمع شده بخواهند به او ضرری برسانند نمی توانند.

در حدیثی ارشاد رسول اکرمﷺ است که پروردگارم مرا به نُه چیز امر فرموده‌اند: ۱ـ خوف خداوند متعال: هم درظاهر و هم درباطن هم در خلوت (هم در آشکارا) ۲ـ گفتن حرف عدل و انصاف چه در خوشی، چه در ناراحتی (انسان وقتی از کسی خوش می‌شود عیبهای او را پوشیده" بنای مدح و ستایش میگذارد و چون از کسی برنجد، تهمتها می بندد. به من امر شده در هر صورت سخن منصفانه بگویم.) ۳ـ میانه روی در فقر و ثروت. (نه در تنگدستی بخیلی کنم ونه درثروتمندی اسراف، نه در فقر بی صبری و بیقراری کنم و نه در ثروت تکبّر و فخر کنم) ٤ـ هر که با من قطع رابطه کند من با او رابطه برقرار کنم. ٥ـ هر که از عطای خود مرا محروم کند من بر او بخشش کنم ٦ـ هر که بر من ظلم کند، از او درگذرم. (در فکر انتقام گرفتن از او نباشم) ۷ـ سکوت من فکر باشد. (فکر آخرت یا فکر در آیات قرآن.) ۸ـ گفتن من

ذکر خداوند باشد. (تسبیح وغیره یا بیان احکام خداوند) ۹ـ نگاه من عبرتِ باشد. (به هر چه نظر می کنم با نگاه عبرت بنگرم.) ۱۰ـ به کارهای نیك امر کنم.(مشکوة)

در ابتدا نُه چیز فرموده بودند و در تفصیل دَه مورد شد شاید شماره دَه خلاصه نُه مورد گذشته باشد ممکن است شماره هفت و هشت بعلت متضاد بودن، یکی بشمار اید، همان گو نه که در ابتدا ظاهر و باطن یك چیز بشمار رفته، و خوشی و ناراحتی یك چیز به شمار رفته است.

حضرت حکیم بن حزامؓ می فرمایند: شخصی از رسول اکرمﷺ پرسید: افضل ترین صدقه چیست؟ آنحضرتﷺ فرمودند: حُسن سلوك با خویشاوند "کاشح".(ترغیب) (کاشح به شخصی میگویند که در دل بغض و کینه نگه دارد). در حدیثی ارشاد رسول اکرمﷺ وارد شده است کسی که دوست دارد در قیامت صاحب مکانهای بلند شود و به درجات عالی برسد، پس هر کس براو ظلم کند از او درگذر نماید و کسی که اورا از عطای خود محروم کند براو احسان کند. و هر کس با او قطع رابطه کند. با او رابطه برقرار نماید.(......)

در حدیثی است که وقتی این ایهٔ مبارکه:

﴿خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلين﴾(اعراف رکوع۲٤)

(عفو کردن را اختیار کن و به نیکی حکم نموده واز جاهلان دوری کن) نازل شد، رسول اکرمﷺ از حضرت جبرئیل علیه‌السلام تفسیر این آیه را پرسیدند: عرض کرد: از آگاه و دانا (یعنی خداوند متعال) پر سیده، به عرض می رسانم. رفت و بر گشت و عرض کرد: ارشاد خداوند متعال است کسی که بر شما ظلم کند او را عفو کن کسی که تورا از عطای خود محروم کند براوعطاء کن. کسی که با توقطع رابطه کند با اورابطه برقرار کن.

در حدیث دیگری بعد از این واقعه این هم است که بعد از آن رسول اکرمﷺ خطاب به مردم فرمودند: من به شما بهترین اخلاق دنیا و آخرت را نشان دهم؟ صحابه کرامؓ عرض کردند: ضرور نشان دهید. آنحضرتﷺ ارشاد فرمودند: هر شخصی که بر شما ظلم کند اورا عفو کنید. و هر که شما را از عطای خود محروم کند، اورا عطاء کنید و هر که با شما قطع رابطه کند با او صلهٔ رحم کنید.

حضرت علیؓ می فرمایند که آنحضرتﷺ به من ارشاد فرمودند: من شما را

بهترین اخلاق اوّلین و آخرین(گذشتگان و آیند گان)رانشان دهم؟ من عرض کردم: ضرور بفرمایید. آنحضرتﷺ فرمودند: هر که تو را از عطای خود محروم کند، او را عطاء کن و هر که بر توظلم کند، اورا عفوکن و هر که رابطه خویشاوندی را با تو قطع کند تو با او رابطه برقرار کن. حضرت عُقبهؓ می فرمایند: رسول اکرمﷺ به من فرمودند: من به شما بهترین اخلاق دنیا و آخرت را نشان بدهم؟ سپس همین سه چیز را ارشاد فرمودند و نیز از بسیاری صحابه کرام رضی الله عنهم این مضمون نقل شده است. حضرت ابو هریرهؓ ارشاد رسول اکرمﷺ را نقل می‌کنند انسان تا آن زمان به ایمان خالص نمی رسد تا این اعمال را بجا نیاورد: باکسانی که با او قطع رابطه کنند رابطه برقرار کند. کسانی که بر او ظلم کنند،آنها را عفو کند کسانی که او را ناسزا گویند از آنها درگذر کند. وکسانی که با او بدرفتاری کنند بر آنها احسان کند.(درمنثور)

(۱۰) عَنْ اَبِیْ بَکْرَۃَؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ مَا مِنْ ذَنْبٍ اَحْرٰی اَنْ یُّعَجِّلَ اللّٰهُ لِصَاحِبِهِ الْعُقُوبَةَ فِی الدُّنْیَا مَعَ مَا یَدَّخِرُ لَه‘ فِی الْاٰخِرَةِ مِنَ الْبَغْیِ وَقَطِیْعَةِ الرَّحِمَ

(رواه الترمذی و ابو داؤد کذا فی المشکوٰة)

ارشاد رسول اکرمﷺ است: هیچ گناهی نیست که بیشتر، سزاوار این باشد که با وجود ذخیره شدن عذاب آن در آخرت، سزایش در دنیا نیز خیلی زود برسد، غیر از ظلم و قطع رحم.

توضیح: یعنی این دو گناه، ظلم و قطع رحم چنانند که در آخرت به سبب اینها هر عذابی که می رسد بجای خود علاوه از آن، در دنیا هم سزای آنها خیلی زود می‌رسد. درحدیث دیگری است که خداوند متعال هر گناهی را هر وقت که بخواهد در دنیا مغفرت می فرماید مگر سزای قطع رحم کردن با پدر و مادر را قبل از مُردن میدهد.(مشکوٰة)

درحدیثی است: خداوند متعال سزای هر گناهی را برای آخرت به تأخیر می‌اندازد لیکن سزای نافرمانی والدین رادردنیا خیلی زود میدهد. (جامع الصغیر)

در بسیاری از احادیث این مضمون هم وارد شده است. که خداوند متعال در روز قیامت به رَحِم (خویشاوندی) گویایی عطاء می فرماید او عرش معلاً را گرفته درخواست می‌کند که یا الله هر کس که مرا وصل کرد (امروز او را به رحمت خود) وصل کن و هر که مرا قطع کرد (امروز از رحمت خود) او را قطع کن. در بسیاری از

احادیث آمده است که خداوند متعال می فرماید لفظ رَحِم از نام پاك رحمان الله جلّ جلالهٔ گرفته شده است. هر که این را وصل کند، رحمان او را وصل می کند و هر که این را قطع کند رحمان او را قطع می کند. در حدیثی است که برآن قوم رحمت نازل نمی‌شود که در آنها قطع رحم کننده ای باشد. در حدیثی است که نزد خداوند متعال هر پنجشنبه اعمال پیش کرده می‌شوند، هیچ عملی از اعمال قطع رحم کننده قبول نمی‌شود. (درمنثور)

فقیه اَبُوْاللَّیث؆ می فرمایند: قطع رحم آنقدر گناه بدی است کسانی که نزد او می‌نشینند آنها را هم از رحمت دور می کند. برای این ضروری است هر شخصی از این خیلی زود توبه کرده، اهتمام صلهٔ رحم کند. ارشاد رسول اکرمﷺ است هیچ نیکی غیر از صلهٔ رحم چنین نیست که ثواب آن زود برسد و هیچ گناهی جز قطع رحم و ظلم آنگونه نیست که عذاب آن با وجود باقی ماندن در آخرت در دنیا هم زود برسد. (تنبیه الغافلین)

حضرت عبدالله بن مسعودﷺ یك بار بعد از نماز صبح در جمعی تشریف داشتند فرمودند: شما را قسم میدهم که اگر دربین این جمع قطع رحم کننده‌ای موجود است بیرون رود. ما میخواهیم از خداوند متعال دعایی بخواهیم و دروازه های آسمان برای قطع کننده رحم بسته می‌شود. (ترغیب) (یعنی قبل از اینکه دعای او به آسمان برود، دروازه های آسمان بسته می‌شود و وقتی با دعای او دعای ما همراه باشد، به سبب بسته بودن دروازه های آسمان بالا نمی رود.)

علاوه از اینهااین مطلب ازاحادیث بسیاری معلوم می‌شود. واقعات دنیا نیز بسیار زیاد گواهی این را می دهند که قطع رحم کننده در دنیا هم به اینگونه مصائبی گرفتار می‌شود که گریه می کند و به سبب حماقت و جهالت خود این را نمی داند تا وقتی از این گناه توبه نکرده، تلافی آنرا نکند، و عوض آن را انجام ندهد، از عذابی که به آن گرفتار است، نجات پیدا نخواهدکرد. اگرچه دهها هزار راه حل پیدا کند اگر در مصیبت دنیوی گرفتار شود، خیلی کمتر از آن عذابی است که خدای ناکرده در بد دینی گرفتار شود. زیرا در اینصورت متوجّه هم نمی‌شود که توبه کند. خداوند متعال از فضل خود ماشماوهمهٔ مسلمانان را حفظ کند.